

خلاصه کتاب مالیه عمومی و اقتصاد دولت

تالیف: دکتر یداله دادگر



ارائه دهنده: دکتر محمد حسین صالحی

دانشگاه پرفسور حسابی

سال تحصیلی: ۹۸-۹۹

فصل اول:

مقدمه ای در مالیه عمومی

معرفی کلی

مالیه عمومی: به مطالعه و بررسی آثار سیاست های دولت در ارتباط با مالیات ها -یا به طور کلی تر درآمدها- و هزینه ها، روی زندگی شهروندان گفته می شود.

شعبه ای از علم اقتصاد که به ارزیابی جوانب مختلف (حفظ و یا ایجاد پایداری اقتصادی، راه اندازی توزیع عادلانه و تأمین آن دسته از کالاها و خدمات عمومی که بازار تولید نمی کند) و تأثیر تصمیم های مربوط به آنها بر رفتار کارگذاران اقتصادی می پردازد.

خرد و کلان، اثباتی و دستوری

سطح خرد: به بررسی آثار هزینه های عمومی و مالیات ها بر رفتارهای فردی -مانند عرضه کار و پس انداز- میپردازد.

سطح کلان: خط مشی های دولت در تعیین ترکیب مالیات و هزینه برای رسیدن به اشتغال مورد نظر، شاخص های مناسب قیمت، رشد تولید و موازنه پرداخت مطلوب، ارزیابی میکند.

امور اثباتی: به توضیح رفتار دولتی ها و سیاست های دولتی و پیش بینی اثر آن بر زندگی شهروندان مربوط است.

(بالا رفتن هزینه جاری دولت موجب افزایش تورم است)

امور دستوری و هنجاری: به توصیه سیاست ها ارتباط دارد.

(توصیه میشود که شهروندان در مورد بالا رفتن تورم از دولت

توضیح بخواهند)

بخش عمومی و بخش خصوصی

بخش عمومی: آن قسمت از اقتصاد که تحت تملک، تصدی و در اختیار دولت قرار دارد (قوای مجریه، مقننه، قضاییه).

به وضع قوانین و نظارت بر اجرای قوانین مبادرت می ورزد.

به سیاست گذاری و برنامه ریزی در سطح ملی اقدام میکند.

هنگام بحران جهت حل آن وارد عمل میشود .

از کشور در مقابل تجاوز بیگانه دفاع کند.

از حقوق شهروندان در مقابل تجاوز دیگر شهروندان حفاظت کند.

جهت سازماندهی آن دسته از کالاها و خدمات عمومی که بازار و بخش خصوصی نمیتواند به طور مطلوب

تأمین کند تدبیر لازم را به کار ببندد.

اندازه بخش عمومی

بزرگی و کوچکی بخش عمومی بستگی به تفکر حاکم بر نظام اقتصادی جامعه دارد.

یکی از پارامترهای تعیین اندازه دولت، میزان ملی کردن منابع و عوامل تولید است.

از مؤلفه های بزرگی و یا کوچکی دولت:

- حجم هزینه های دولت نسبت به کل هزینه ها
- میزان استخدام بخش دولتی نسبت به کل استخدام کشور
- سهم نسبی سرمایه گذاری بخش دولتی
- ساختار بوروکراسی دولت

نیاز به وجود بخش عمومی

پروفسور ماسگریو که یکی از بنیان گذاران مالیه عمومی و بخش عمومی جدید معرفی میشود.

بخشی از حضور دولت به خاطر ملاحظات سیاسی و اجتماعی است.

برای تصحیح بازار، تکمیل کارکرد بازار و راهنمایی و هدایت آن باید بخش عمومی و دولت حضور داشته باشد.

شکست بازار: به آن دسته از خدمات اقتصادی که مورد نیاز شهروندان می باشد و بازار و بخش خصوصی ناتوان در انجام آنها هستند.

مواردی از شکست بازار

- نبود رقابت کامل
- وضع مقررات لازم برای استحکام قراردادهای اقتصادی
- برخی کالاها و خدمات دارای آثار خارجی و جانبی هستند که برخورد مناسب با آنها نظارت دولت را میطلبد.
- ارزش های اجتماعی (تعدیل در درآمدها و ثروتها صورت گیرد تا فاصله طبقاتی حاصل از عملکرد بازار تعدیل شود).

• نظارت بر تأمین کالاهای عمومی (نظارت بر تولید، قیمت گذاری و توزیع کالاها و خدمات ضروری)

نقشها و وظایف دولتها

• **تخصیصی:** فرایندی که چگونگی اختصاص یافتن منابع برای تولید کالاها و خدمات تحت تاثیر بخش دولتی قرار میگیرد.

• **قانونی:** تدابیر مربوط به تدوین و حفظ مقررات اقتصادی و قوانین مرتبط با آن

• **توزیعی:** تعدیل هایی که توسط دولت در وضع درآمدها و ثروتها صورت میگیرد تا جامعه به شرایطی برسد که توزیع نهایی عادلانه گردد.

• **تثبیتی:** مجموعه خط مشی هایی که از سوی دولت با هدف رسیدن به پایداری در قیمت ها، رشد مطلوب تولید و اشتغال و تناسبی معقول در تراز پرداختها اعمال می گردد.

قلمرو مالیه عمومی قلمرو مالیه عمومی

• بررسی هزینه ها و ارزیابی راه های تأمین مالی آنها

• بررسی توجیه اقتصادی هزینه ها و ارزیابی سازگاری یا عدم سازگاری منابع تأمین هزینه ها با منطق اقتصاد

• تحلیل چگونگی تصمیم گیری در بخش عمومی

• مسأله انتخاب عمومی سیاستگذاری مربوط به بودجه و تلاش برای تأمین کسری بودجه

• قرضه ملی، تأمین اجتماعی، خصوصی سازی، تمرکز و یا عدم تمرکز، بررسی کارکرد ادارات دولتی، اندازه دولت، دولت خوب، دولت الکترونیک

ابزارهای اثباتی در بررسی مالیه عمومی

• روش تجزیه و تحلیل نظری

• روش های تجزیه و تحلیل تجربی

• نقش نظریه یا روش تجزیه و تحلیل نظری نقش

امار: اعداد و ارقام پارامترهای گویایی هستند

استفاده از تیوری در کنار امار و اعداد: تیوری

عرضه نیروی کار بر این مبنا استوار است که تصمیم

نیروی کار با توجه به نوعی تخصیص عقلانی

نسبت به وقت خود صورت میگیرد.

• روش های تجزیه و تحلیل تجربی

• روش پرسشنامه: سر راست ترین روش برای ارزیابی تاثیر یک سیاست دولتی بر رفتار افراد است.

• روش مصاحبه و روش دلفی: شبیه روش پرسشنامه اما با کمک کارشناسان

• روش آزمایش: در مواردی کاربرد دارد که امکان کنترل و تکرار رفتار پدیده ها وجود داشته باشد.

• برآورد اقتصاد سنجی: تجزیه و تحلیل آماری داده ها بر مبنای تئوری اقتصادی است.

شکست بازار و ابزارهای دستوری

اقتصاد رفاه: شعبه ای از علم اقتصاد است که با ارزیابی رضایت مندی حاصل از کارکرد دولت سروکار دارد.

کالاهای شایسته و ناشایسته

• کالاهای شایسته) استحقاقی خوب: (کالاها و خدماتی وجود دارد که برای مردم ضروری است ولی ممکن است مردم متقاضی آنها نباشند.

• کالاهای ناشایسته) بد: (برخی کالاها مضرند، هرچند مردم طرفدار آنها هستند.

در چند محور سیستم بازار و بدون دولت دشواری هایی به همراه دارد:

محور توزیع: بازار تنها می تواند کارآمدی را محقق سازد.

پس زمانی که معیار رفاه اجتماعی یا عدالت در توزیع درآمدها و ثروت ها ملاحظه شود، حضور دولت قانون مند و منضبط لازم است.

محور تخصیص و نمونه هایی از آن: بازار آزاد منجر به نارسایی هایی میشود که کارایی را به خطر می اندازد

سیطره انحصارگرها در بازار

عدم تامین کارآمد کالاهای عمومی است

پیامدهای خارجی و جانبی

محور تثبیت: اقتصاد آزاد و بدون وجود دولت خوب، دارای دورها و نوسان های اقتصادی است. و بخش

خصوصی انگیزه ای برای حل این دشواری ها ندارد. از این رو وجود دولت برای سوق دادن اقتصاد به سوی

یک وضع پایدار ضروری است

فصل دوم

جایگاه کلی دولت در اقتصاد

- در این فصل ابتدا به انواع تقسیم بندی های دولت بر اساس معیارهای مختلف اشاره و به دنبال آن ملاحظات اقتصادی انواع دولت ها ذکر می گردد و در بخش پایانی به دولت از منظر اندیشمندان پرداخته می شود.
- ۱-۲- تعریف ها و تقسیم بندی های دولت
- تعریف ماکس وبر: وی دولت را سازمانی تعریف می کند که انحصار اعمال زور مشروع را در یک منطقه معین در اختیار دارد. او در ضمن قید «مشروع» اعمال زور غیر مشروع و غیر قانونی را کنار می گذارد.
- از نظر اجرایی: مجموعه ای از قوای عمومی یک ملت شامل قوه مجریه، مقننه و قضاییه است که طبق یک قانون اساسی سازمان داده شده است. قانون اساسی می تواند می تواند یک سند رسمی باشد یا مجموعه ای از سنت ها مثل انگلستان
- دولت به طور کلی: قدرت یا حاکمیتی است که به صورت بدنه ای از مردم بشکلی سیاسی سازمان دهی گردیده است.
- دولت ها معمولاً دارای مرز شناخته شده ای هستند و شخصیت حقوقی مشخصی دارند.
- حکومت

- حکومت بیشتر یک معنای فلسفی و مجرد دارد و به فرمانروایی و اعمال مدیریت و اعمال امور عمومی و تدبیر کلی مربوط می شود.
- آنارشیزم: اگر هیچ سازمان اجتماعی برای اداره جامعه مطرح نباشد. هر نوع دولت و حکومت رسمی، غیر لازم و در اصل غلط است. هر نوع مقررات و حاکمیت مانع آزادی و برابری خواهد بود. آقا بالاسر لازم ندارند. تعاونی خود جوشی شکل بگیرند
- دولت حدود ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد در مصر و سومر حاکمیت سلطان و شاه مرسوم بوده
- تقسیم بندی های دولت
- با توجه به معیارهای مختلف تقسیمات گوناگونی از دولت ارائه شده. سنت ها، مبانی فلسفی، فلسفه سیاسی و تئوری اقتصادی برخی از محورهای این تقسیم بندی اند.
- مبانی سنت ها مثل اقتدارگرایی و تساوی گرایی
- دولت دمکراتیک لیبرال مانند کشورهای آمریکای شمالی و اروپای غربی، دمکراسی و مردم سالاری امور را پیش می برند.
- دسته دوم دولت های اقتدار طلب و تساوی گرا، اینها اهداف عدالت و برابری را با کمک قدرت حکومت مرکزی تحقق می بخشند. مانند کشورهای کمونیستی سابق و سوسیالیستی فعلی.
- دسته سوم دولت های سستی غیر تساوی گرا، سنت های اشرافی و غیر تساوی گرایانه را حفظ و احیا می کنند که در آن قدرت و ثروت در دست عده معدودی متمرکز می گردد.
- آخرین گروه نظام های غیر تساوی گرای اقتدار طلب در مقابل نوع دمکراتیک لیبرال مانند حکومت های دیکتاتوری و فاشیستی

- مبنای فلسفی دولت ها را به ارگانیک و مکانیکی تقسیم می کند.
- دیدگاه ارگانیک جامعه مثل یک اندام طبیعی فرض شده فرد جزئی از این اندام محسوب می شود و دولت قلب آن تلقی می شود. خیر و صلاح فرد در رابطه با خیر و صلاح کل مطرح است. مثلا در جمهوری افلاطون فعالیت یک رهبر تنها زمانی مطلوب است که منجر به یک جامعه عادلانه گردد. اهداف جامعه توسط دولت تعیین می شود.
- دیدگاه مکانیکی یا ماشینی : دولت یک اندام از جامعه نیست بلکه ترکیبی از افراد است که مردم تحت آن به دنبال اهداف شخصی خود حرکت می کنند.

- ۲-۲- ارتباط اقتصادی برخی از تقسیمات دولت
- اولین موضوع رابطه دولت با شهروندان که از نظر اقتصادی عده ای مصرف کننده و عده ای توزیع کننده هستند. چند مفهوم در این رابطه ۱- دولت حاکم مطلق ۲- دولت تعلق عام ۳- دولت طبقه ۴- دولت مجموعه نفوذهای ناهمگن .
- دولت حاکم مطلق وجودی متمایز از شهروندان دارد . دولت هم محافظ منافع ملت است و هم مجری امور مربوط به آن. در ضمن منافع ملی در این دیدگاه ، جدا از منافع فردی است و هم بالاتر و مهمتر.
- بنابراین دولت مفسر طبیعی منافع ملی است و تفسیرش بر همه تحمیل می گردد. به عبارت دیگر دولت نه تنها متمایز از شهروندان که حاکم بر آنهاست. دولت حاکم مطلق در مواقعی می تواند وظایف فردی را تغییر دهد مثل دخالت دولت در امور بهداشت و آموزش فردی (نوعی اعمال قیومیت) ضامن و مسئول خدمات اجتماعی می باشد. نظام اقتصادی چنین دولتی از قوانین بازار تبعیت نمی کند . بازگشت فلسفی این دولت ارگانیک است

- دولت تعلق عام - جمهوری اداره جامعه یا در دست شهروندان است یا در دست نمایندگان آنها.
- حاکمان واقعی شهروندان هستند نه دولت. منافع عمومی در اینجا از طریق منافع فردی تامین می گردد یعنی عموم چیزی جز مجموع افراد نیست. بنابراین وظیفه دولت تنها این است که نیازهای افراد را که به طور آزاد توسط خودشان بیان می شود تامین کند. دولت تنها جایگاهی برای تلاقی دیدگاههای شهروندانی است که از طریق مذاکره و تفاهم درباره امور سیاسی و اقتصادی مبادرت به اتخاذ تصمیم می کنند و این تصمیمات منحصر در تطابق با منافع خود افراد است.
- در این دولت در مورد مسائل اقتصادی تنها اهداف و ابزارها مشخص می شوند. پس از آن بحث اتصال با بازار مطرح می شود زیرا ۱- منافع افراد در چارچوب بازار ظاهر می شود ۲- انتخاب آنها نیز در بازار صورت می گیرد. اجرای قوانین دولتی بخصوص در امور اقتصادی با حداقل اجبار و فشار اعمال می شود در ضمن افراد متعهد می شوند از راههای دمکراتیک به تصمیمات اتخاذ شده احترام بگذارند. بازگشت فلسفی این دولت مکانیکی بوده ، زاده عصر روشنگری است از متفکران مهم جان لاک، رسو ، بنتام ، توکویل
- دولت طبقه ابزاری در دست طبقه حاکم و این امکان را می دهد قوه غلبه عمومی را در اختیار بگیرد تا نظام اقتصادی مورد نظر را حفظ و تکامل بخشد . ماکسیست - لنینیست یا دیگر شاخه های سوسیالیستی و مارکسیستی که از نظر فلسفی به اندیشه ارگانیکی مربوط است. در تحلیل های کمونیستی ، در کمون اولیه دولتی وجود نداشته زیرا طبقه ای وجود نداشته و در کمونیسم کامل هم چون طبقه ای وجود ندارد دولت هم وجود ندارد. دولت تنها در صورتی می تواند ابزlr خوبی باشد که در کوتاه مدت توسط قشر پابرهنه قبضه شود و آنها با نابود کردن ثروتمندان به سوی جامعه بی طبقه پیش روند.

- دولت نفوذ ناهمگن با سه دولت قبل تفاوت قابل ملاحظه ای دارد در سه دولت قبل دولت یک مرکز تصمیم گیری شناخته می شد ولی در این دولت در قالب مجموعه ای از نفوذها تعریف می کنند. می گویند دولت سازمانی است که در آن گروه هایی با منافع رقیب و با ابزارهای متفاوت با یکدیگر مواجه هستند. برخی داخلی اند مثل خود دولت و مجلس و قدرت های محلی و برخی خارجی اند مثل سندیکاها، کارگری و کارمندی و دولت نمی تواند دارای تابع رفتار عقلانی و پایدار باشد بلکه مجموعه ای از نفوذهای همگن و یا تاثیر های ناهمگن است که به دنبال منافع شخصی خود هستند.
- تقسیم بندی دولت براساس تئوری ها و مکاتب اقتصادی
- تقسیم بندی های قبلی جنبه فلسفی و فلسفی سیاسی داشت. در تقسیم بندی دیگری دولت از خود تئوری اقتصادی و اندیشه های مربوط به آن برمی خیزد. مانند دولت نئوکلاسیک ها ، دولت انتخاب عمومی، دولت کینزی و دولت سوسیالیسم
- دولت نئوکلاسیک ها : وظیفه دولت مراقبت و نظارت بر مکانیسم های غیر متمرکز بازار می باشد زیرا تصور آن است که مکانیسم بازار اشتغال کامل به همراه تعادل تخصیص بهینه منابع را فراهم می کند و مشکلات اقتصادی موقتی هستند دولت زمانی در اقتصاد دخالت میکند که عملکرد ناقص بازار امکان تخصیص بهینه منابع را فراهم نکند و یا نارسایی مشابهی بروز کند یا انحصار حاکم باشد. دولت مذکور هنگام عمل تمام توجهش به ترجیحات انفرادی است . حتی زمانی که کالای عمومی ارائه می دهد تلاش می کند با ایده افراد سازگار باشد. در دیدگاه نئوکلاسیک ، نفع عمومی نوعی پایگاه فردی دارد.
- دولت انتخاب عمومی : در واقع همان دولت مکتب اقتصادی سیاست است. که دولتمردان به دنبال منافع شخصی شان هستند پس نمی توانند نارسایی بازار را حل کنند.

دولت کینزی:

- دولت کینزی: براین عقیده استوار است که انتخاب فردی به صورت کاملا آزاد و غیر متمرکز این امکان را فراهم نمی آورد که خود به خود به نفع جامعه باشد. عدم انعطاف هایی در بازار به وجود می آید که در کوتاه مدت تعادل بازار را به هم می زند و اگر تعادلی باشد به همراه اشتغال کامل نیست. دشواری های اقتصادی به این خاطر بروز می کنند که تقاضای مفید و موثر (مصرف و سرمایه گذاری در سطح کلان) با نارسایی مواجه است و دولت می تواند از طریق رفع کمبود تقاضا بهترین استفاده را از منابع ببرد. در انجا نفع عمومی متمایز از نفع فردی است دولت کینزی با این وصف شیوه سوسیالیسم را تجویز نمی کند و عدم تمرکز را محکوم می کند.

- دولت مارکسیسم یا سوسیالیسم: اقتصاد عمومی اقتصاد بخش خصوصی را از بین می برد. اما تلاش عملی و تجویز نظری این است که مرتبه دولت تضعیف شود تا در مرحله نهایی کمونیسم کامل از بین برود. یعنی دولت برای کاستن از طبقات تلاش می کند و زمانی که طبقه از بین می رود خود دولت نیز از بین می رود.

- ۲-۳- دولت از منظر اندیشمندان) از آغاز تا رنسانس)

- مقوله دولت به همراه ظهور تمدن بشری مطرح بوده و سابقه اش حداقل به ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد می رسد. در انجیل آمده سران بنی اسرائیل در سال ۱۰۳۰ قبل از میلاد نزد پیامبر خود شموئیل رفتند و از وی خواستند برای آنها حاکمی معین کند. از این آیات در انجیل و قرآن می توان استنباط کرد که حکومت می تواند به کمک مردم بیاید دوم جواب خداوند در مورد تعیین حاکم تامل برانگیز و احتیاط امیز بوده و می توان درک کرد که نباید تصور کرد که حضور دولت به خودی خود مفید و کارساز و راهگشا بوده بلکه باید صلاحیت هایی داشته

- و با ضوابطی همراه باشد. اگر پیامبر کارایی لازم رانداشته باشد باید فکر جانشین بود و مورثی نیست .
- الف- دیدگاه برخی دانشمندان قبل از میلاد
- سقراط می گوید در حکومت و دولت نیز مانند علم طب باید تنها به دیدگاه متخصصان ارزش داده شود و باید در حکومت آنان که در سیاست آموزش دیده اند حاکم شوند.
- افلاطون ماهیت دولت را به نیاز بشر مرتبط می سازد وی همانند سقراط به حکومت حکیمان قائل است . حاکم باید از عقلانیت و کارایی قابل ملاحظه برخوردار باشد. مالکیت عمومی را مقدم می دانست.
- ارسطو حکومت را دارای یک هویت طبیعی و اخلاقی می داند. اگر حکومت انسانی تحقق یابد و قانون و عدالت به همراه آن نباشد انسان بدتر از حیوان عمل خواهد کرد. مالکیت عمومی و خصوصی تاکید داشت
- هر سه عدالت تقوا اخلاق و سیاست را مرتبط باهم در نظر دارند.
- سیسرون حکومت را مرتبط با اقتضای طبیعت بشری می داند و برای حفظ حقوق و عدالت هیچ چیز ضروری تر از دولت نیست.
- ب- پرتوهایی از اندیشه قرون وسطا
- جان سالیسبوری حکومت را یک نهاد مقدس ولی قدرت را ناشی از مردم می داند. وی فرمان حاکم را فرمان خدا دانسته
- توماس آکویناس جامعه را نهادی طبیعی می داند ولی عقیده دارد دولت و حکومت توسط بشر ساخته شده اند و ممکن است به خطا برود. هدف دولت بهبود زندگی انسانی است . خوبی کار دولت آنست که به خوب اصلی یعنی خوبی جهان آخرت دامن بزند.

• **آلگری** دانته حکومت باید زمینه استفاده عقل انسانی را برای رسیدن به صلح و آزادی در دنیا و رضایت خداوند در آخرت فراهم آورد و تا زمانی از حاکم اطاعت شود که وی از آزادی اندیشه حمایت کند.

- عقیده متفکران اسلام
- **فارابی**: تشکیل حکومت و وجود حاکم را ابزاری برای رسیدن به سعادت و کمال و عدالت می داند. حکومت را هدف نمی داند.
- **ابن رشد** تحت تاثیر افکار افلاطون و فارابی انسان را حیوانی اجتماعی می داند. برای انسان امکان حصول به سعادت بدون همکاری اجتماعی وجود ندارد. وی قائل به حکومت جمهوری است.

• **ابن خلدون**

غلبه می داند.

- پ- برخی از اندیشه های دوران انتقالی
- بین سالهای ۱۴۰۰ تا ۱۶۰۰ را دوران انتقالی می نامند. از یک طرف قرون وسطا به پایان می رسد و از طرف دیگر زمسنه حرکت رنسانس شکل می گیرد. اصلاحات مذهبی سقوط فئودالیسم و زمسنه های نظام سرمایه داری و شکل پذیری اندیشه های غیر دینی سکولار □ **نیگولو ماکیاولی** ک نظر ویژه ای در باب حکومت و نگرش بدبینانه نسبت به انسان دارد. تئوری سیاسی وی تئوری قدرت است. توصیه های به شهریار ایتالیا سزاربورژیا برای حفظ قدرت و حاکمیت خود دست به هر کاری بزند. تحقق هدف مجوز کاربرد هر نوع وسیله ای است. حاکم همراهی عوام را هر طوری شده با خود داشته باشد. حاکم فوق قانون و بالاتر از تمامی الزامات.

- تامس مور حاکمان و دولت مردان باید انسانهای شریف دانا و صلح دوست باشند و حکومت بر اساس تعالیم حضرت مسیح حرکت کند نه بر اساس افکار مسیحیان.
- مارتین لوتر چهره مذهبی و اصلاح طلب . اگر ما مسیحی واقعی می بودیم نیازی به حکومت نبود اما چون چنین نیست نیاز به حکومت خواهیم داشت. وظیفه حکومت حفظ مذهب و اخلاق است چون دین با دموکراسی سازگار است.

• ۲-۴-اندیشه دولت از عصر روشنگری تا قرن ۲۱

- آغاز قرن هفدهم شروع عصر جدید محسوب می شود و قرن تثبیت دولت ملت در مقابل دولت شهر سابق نیز معروف است. تحکیم حکومت ملی در بسیاری از کشورها در این قرن صورت گرفته. رشد گرایش های اقتصادی با ظهور مکتب مرکانتیلیسم (سوداگرایی) تشدید گردید.

- فرانسیسم بیکن طرفدار دولت متمرکز سلطنتی بود و بر جدایی تصمیمات سیاسی از اخلاق تاکید داشت. میل به قدرت بیش از حد حتی فرشتگان را به فساد می کشاند.

- تامس هابز: با آنکه به قراردادگرایی معتقد است اما می گوید بدون حمایت قانون به تعبیر وی اعمال زور امکان اجرای قرارداد ها وجود ندارد.

- جان لاک دولت را بر مبنای قراردادگرایی می پذیرد لذا جامعه نه فرد حاکم را مسلط تلقی می کند .

بالاترین قدرت را به قوه مقننه مربوط می دانست. قانون طبیعی به همراه قراردادگرایی زمینه مستحکمی برای تحقق حکومت های دموکراسی می داند.

- ژان ژاک رسو منشا دولت و جامعه مدنی را در راستای حل مشکلات مربوط به مالکیت خصوصی می داند. همه امور باید بر توافق و قرارداد مبتنی باشد.

- آدام اسمیت اطاعت از دولت برای حفظ عدالت و حفظ نظم داخلی و دفاع در برابر بیگانه و نیز حفظ مقررات و مالکیت ها را لازم می داند.
- دیوید هیوم حکومت تنها به خاطر حفظ نظم به وجود پیدا می کند تا تحت آن شهروندان بتوانند غایت خصوصی خود را بدون مزاحمت محقق سازند.
- جرمی بنتام وظیفه حکومت را تحقق بیشترین شادی و رفاه برای بیشتر مردم می داند
- مارکس دولت را حافظ منافع طبقه ای خاص قلمداد می کند که پس از بین رفتن طبقه باید از بین برود.
- فریدریش نیچه فیلسوف بدبینی بود که دورنمای تاریکی از آینده ترسیم می کرد و مفهوم ابرمرد را ساخت که هیلترها و موسولینی ها نمونه ای از آن هستند.
- توراشن و بلن رها شدن سیاست و اقتصاد در اختیار انسان و قانون طبیعی را مورد خدشه قرارداد و ضمن تاختن به دولت لسفیری حضور دولت را برای نهاد سازی و نقش آفرینی در دنیای متحول کار ساز می دانست.
- جان دیویی دولت و سیاست را به چاقویی دو لبه می دانست که هم می تواند در خدمت آزادی و سعادت باشد و هم در راستا نابودی انسان و جامعه حرکت کند.
- هنری فورد مرد ماشین و صنعت بود و سیاست را نوعی صنعت می دانست و ابزاری برای رشد صنعت کار و تولید
- موهندس گاندی اقتدار یک دیکتاتور را داشت ولی مانند یک دموکرات فکر می کرد دولت برای ایجاد وحدت و استقلال
- هایک دولت را دزد جامعه و دخالت دولت در جامعه مشکل آفرین

رابرت نازیک

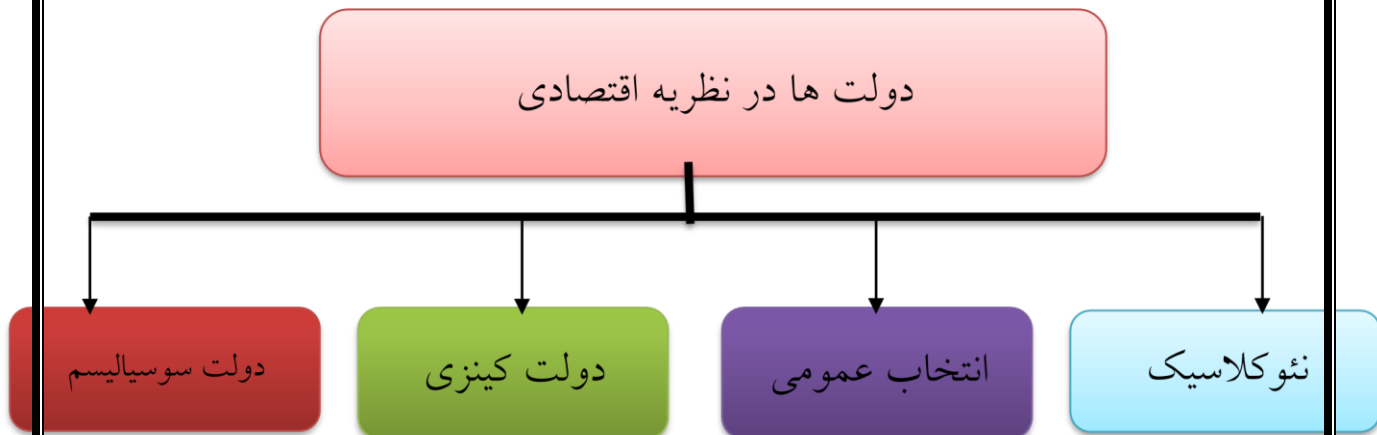
- رابرت نازیک دولت محدود کننده آزادی
- چامسکی نسبت به دولت نئولیبرال بدبین است و پست مدرن ها دولت را پدیده ای نسبی می دانند و کینزی ها جدید مثل استیگلیتز از حضور دولت کارآمد دفاع می کنند فریدمن حضور دولت مشکل زا و لوکاس آنرا بی ثمر می شمارد ﷺ
- اشاره ای به نظریه اسلامی
- ضرورت حکومت در اسلام بحثی وجود ندارد و در هر حال جامعه نیاز به حاکم دارد. نقش ابزاری حکومت جهت حصول به اهداف اصیل تری است.
- اگر من نتوانم به وسیله حکومت احقاق حق کنم و یا باطلی را از بین ببرم حکومت نزد من کوچکترین ارزشی ندارد. حکومت از نظر ایشان ابزاری برای رسیدن به حق و عدالت است.
- در اسلام خود دولت مردان به مردم اعلام می کنند که آنها را نقد و نصیحت کنند. و دولت مردان خود را همانند ضعیف ترین و یا حداقل متوسط ترین افراد جامعه دانسته و عدالت را رعایت کنند.
- نکته پایانی در دهه اول قرن ۲۱ دولت دینی چالشهایی مطرح شده برخی از مسلمانان بر دولت تمامیت خواه دینی اصرار داشته اند و برخی دیگر بر جدایی دین از سیاست تاکید داشته اند.

فصل سوم:

چارچوب تصمیم‌گیری در بخش عمومی و رابطه دولت و شهروندان

چارچوب تصمیم‌گیری در بخش عمومی و رابطه دولت و شهروندان

راههای ممکن برای انتخاب دسته جمعی



*تقویت این دیدگاهها در ارتباط دولت و ترجیحات شهروندان است. تصمیماتی که دولت در جوامع مختلف اتخاذ میکند تاثیر جدی بر زندگی مردمان آن جامعه‌میگذارد که ممکن است به طور کامل با منافع و ترجیحات فردی منطبق نباشد تصمیمات دولت معمولاً بستگی به نوع دولت یا چارچوب تصمیم‌گیری دسته جمعی دارد.

سیوه های بالقوه انتخاب دولت :

۱- دموکراسی:

کامل ← تمام افراد جامعه مورد انتخاب دولت (دنیای قدیم، یونان باستان)

غیر کامل ← دموکراسی مبتنی بر رای اکثریت

۲- دیکتاتوری:

صالح ← حاکم مطلق که بر اساس مصلحت مردم پیش میرود

غیر صالح ← حاکمی که ملاک حرکت حکومت، ترجیحات شخصی وی است

دموکراسی لیبرال:

از طریق تحقق ترجیحات فردی جامعه میتوان به ترجیحات اقتصادی نائل شد

ارتباط منافع فردی و منافع اجتماعی:

۱- اقتصاددان ها موضوع را از منظر منافع شخصی بررسی میکنند

طرح مدل عدم امکان: عدم تطابق منافع فردی و اجتماعی را مورد تاکید قرار میدهند

۲- دانشمندان علوم سیاسی موضوع را از منظر منافع اجتماعی (ویلدا و سکی، لیندبلوم، و داهل) منافع اجتماعی را

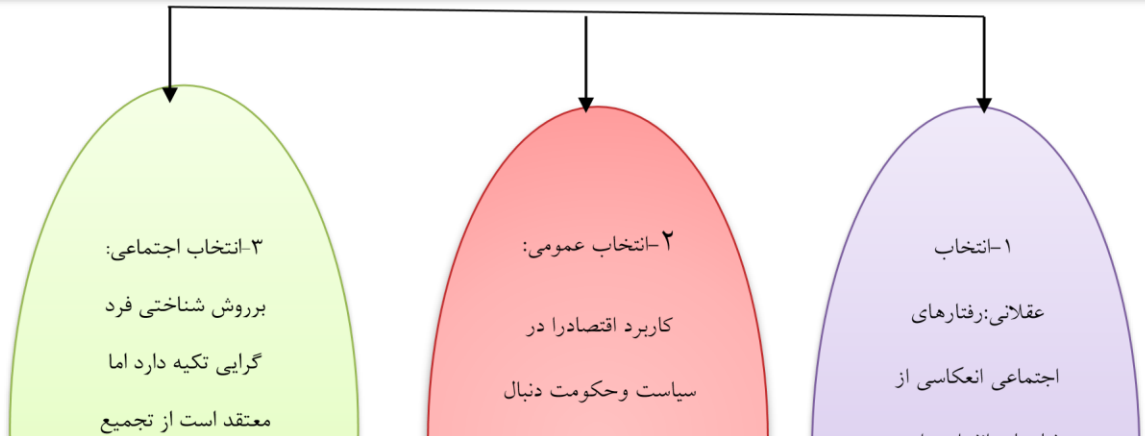
متفاوت از منافع فردی میدانند

۱- اندیشه سوسیالیسم: دیدگاه حداکثری از دولت زمانی که همه برابری نقش دولت به پایان میرسد

۲- اندیشه دولت تنها: در وضعیت شکست بازار، مربوط به دولت نئوکلاسیک، امور در دست بازاست و در مواردی که بازار نارساست دولت وارد عمل می‌شود

۳- مکتب انتخاب عمومی (مکتب اقتصادی سیاست): دولت اصولاً خیرخواه و دیگر خواه نمی‌باشد و به دنبال حداکثر کردن منافع شخصی خود است

۴- دولت در معقوله حکمرانی خوب می‌باشد و در کنار بخش کسب و کار بخش جامعه مدنی قرار می‌گیرد
جامعه به سه قسمت تقسیم می‌شود ۱- دولت ۲- بخش کسب و کار ۳- جامعه مدنی
دولت بر دو بخش دیگر سیطره نداشته بلکه در کنار آن‌ها قرار می‌گیرد و همه بر اساس نوعی فعالیت اجتماعی و قانونی به فعالیت خود ادامه می‌دهند



ضرورت همکاری دولت با بخش خصوصی:

نگرش انتخاب اجتماعی از نوعی فرد گرایی و دخالت حداقل دولت در امور اقتصادی دفاع می‌کردند، وجود دولت حداکثری و دولت سوسیالیستی نیز کارایی اقتصاد را بطور جدی کاهش می‌دهد

ویژگی های دولت بهینه:

- ۱- دولت بیشتر در امور نظارت کند تا دخالت
 - ۲- وظایف تعریف شده استاندارد و محدودی داشته باشد
 - ۳- همکاری معقول و منطقی با بخش خصوصی
 - ۴- عناصر کنترلی و نظارتی کافی برای آن وجود داشته باشد
 - ۵- تامین کالای عمومی (بهداشت، آموزش)
 - ۶- تامین حداقل نیازهای عمومی و مبارزه با فقر و بیکاری
 - ۷- کارکردش در قالب دموکراتیک و در یک دوره معین مورد قضاوت جامعه قرار بگیرد و در صورت عدم رضایت عمومی مورد تغییر قرار گیرد
- موفقیت همکاری دولت و بخش خصوصی (تئوری بازی ها- معمای زندان)

استراتژیهای فرد A

۱۰و۱۰	۲۰و۲۰
۲۰و۱	۲و۲

نمودار 1-3 معمای زندانی

الف- کاربرد ابعادی از تئوری بازی ها در بررسی رفتار دولت و بخش خصوصی:

تئوری بازی ها مطالعه رفتار تصمیم گیرندگان مستقلی را در بر دارد که سرنوشت آن ها و موفقیت یا عدم موفقیتشان بستگی به تعارض یا توافق بین آن ها دارد
مثال: نحوه مجازات دو مجرم با جرم مشترک در شرایط مختلف

تحلیل معمای زندان:

اگر هر دو سکوت کنند هیچ کدام به دنبال نفع شخصی صرف نبوده (همکارانه) اقدام کرده اند
تحلیل معمای زندان: (غیر همکارانه) اقدام کرده اند

اگر هر دو کرت کنند هیچ کدام به دنبال منفی شخصی طرفین برسد کارانه (اقدام کرده اند

ب- تقابل منافع و عقلانیت فردی واجتماعی:

در مثال معمای زندان اگر هر یک برای حداکثر کردن منافع شخصی خود مثلاً غیر همکاری عمل کنند نتیجه از نظر فردی عقلانی ولی از نظر جمعی غیر عقلانی است. در صورتی که افراد در بازی با هم هماهنگ و همکاری عمل کنند بالاترین نتیجه اجتماعی حاصل خواهد شد اما این نیازمند وجود اعتماد متقابل قبلی بین آن‌هاست.

- دولت صدر اسلام ومالیه عمومی در قانون اساسی:

در اسلام حکومت به عنوان ابزاری در تحقق اهداف بالاتر (عدالت، اخلاق) مطرح است، از نظر تئوری دست انداز کاران حکومت نمیتوانند «را به عنوان ابزاری برای کسب قدرت و منافع شخصی خود به کار برند، دولت‌مردان باید انگیزه های مادی را در راستای اصول شناخته شده عقلایی، قانونی واقتصادی هدایت کنند نه اموال عمومی را برای تامین مصالح فردی خود هزینه کنند».

- جایگاه بخش عمومی در قانون اساسی:

۱- عنصر اقتصادی

۲- رفع تعصبات ناروا

۳- امکان اشتغال به کار

۴- تامین اجتماعی

۵- آموزش و پرورش رایگان

۶- داشتن مسکن متناسب با نیاز

۷- تامین نیازهای اساسی

۸- تامین وسایل کار

۹- بافت و تقسیم ساعات کار

۹- بافت و تقسیم ساعات کار

۱۰- مبارزه با انواع فعالیت های غیر کارآمد و غیر مشروع اقتصادی

۱۱- بافت کلی اقتصاد

۱۲- بخش تعاونی

۱۳- توزیع عادلانه امکانات

۱۴- محیط زیست

استاد آقا میرزا محمد باقر

استاد آقا میرزا محمد باقر

استاد آقا میرزا محمد باقر

استاد آقا میرزا محمد باقر

استاد آقا میرزا محمد باقر

استاد آقا میرزا محمد باقر

استاد آقا میرزا محمد باقر

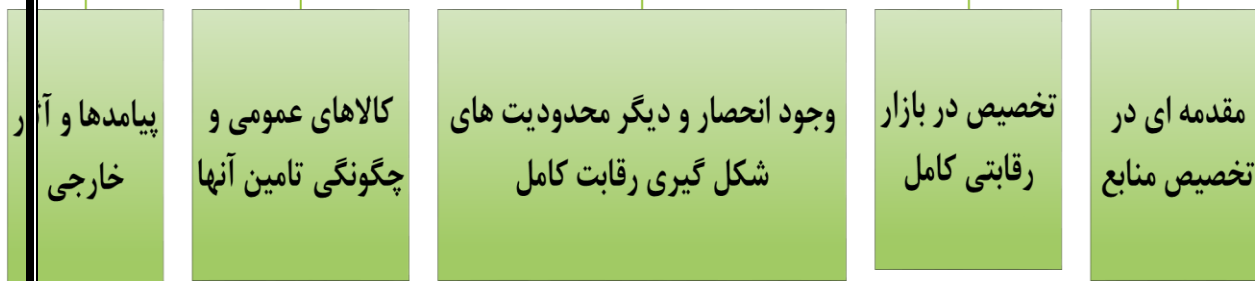
استاد آقا میرزا محمد باقر

استاد آقا میرزا محمد باقر

فصل چهارم:

نقش دولت در تخصیص منابع

نقش دولت در تخصیص منابع



مقدمه ای در تخصیص منابع

معرفی کلی:

تخصیص و کارایی

تخصیص منابع به طور کلی چگونگی اختصاص دادن منابع مختلف به مصرف های رقیب در بخش های مختلف اقتصادی است .

این کار می تواند توسط بازار، دولت و یا ترکیب آن دو صورت گیرد.. تخصیص کارآمد، استفاده بهینه از عوامل، نهاده ها و ابزارهای اقتصادی را بیان می کند. تخصیص کارآمد منابع از هدف های اساسی نظام های اقتصادی محسوب نی شود. با تخصیص کارآمد، از یک سو منابع و امکانات اقتصادی به هدر نمی رود و از سوی دیگر به بهترین وجه از آنها استفاده می شود.

ابزارهای تخصیص کارآمد:

دیدگاه های نئوکلاسیک و تا حدودی کنیزی، مکانیسم بازار را برای رسیدن به تخصیص بهینه به کار میگیرند و رویکرد سوسیالیستی بر ساز و کار دولتی تاکید دارد. در ضمن ادعا می شود که مکانیسم بازار در شرایط رقابت کامل می تواند به تخصیص بهینه منابع منجر شود.

تخصیص در بازار رقابتی کامل

بررسی امکان نظری تخصیص کارآمد در بازار رقابتی

فرض های بازار رقابتی کامل

بدیهی است در صورتی که بتوان نوعی تخصیص بهینه در چارچوب بازار ایجاد کرد، می توان ادعا کرد که نیازی به دخالت دولت در تخصیص منابع نیست.

*یکی از شرط ها و فرض های بازار رقابت کامل این است که اطلاعات کامل و بدون هزینه در ارتباط با متغیرهای اصلی اقتصاد در اختیار خریداران و فروشندگان است .

*دوم اینکه تعداد خریداران و فروشندگان مربوط به یک کالای خاص آنقدر زیاد هستند که هرکدام تنها بخش بسیار کوچکی از عرضه و تقاضای بازار را در اختیارخواهد داشت و در نتیجه هیچکدام به

تنهایی قدرت تاثیر گذاری بر قیمت بازار را ندارد. بنابراین قیمت در بنگاه های رقابتی کامل همواره ثابت است.

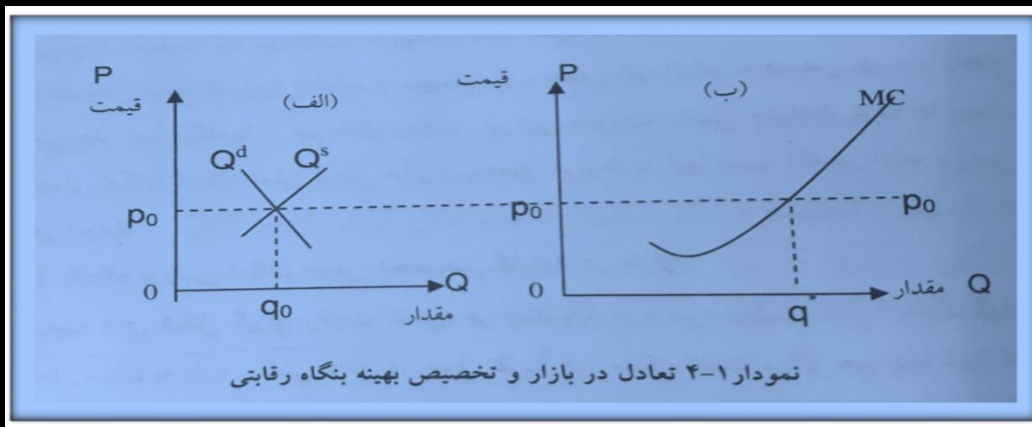
۳) سوم آنکه همه بنگاه ها دارای کالای یکنواختی هستند .

۴) چهارم اینکه ورود و خروج بنگاه ها در صنعت های مختلف کاملا آزاد است. با تحقق این شرایط و با استفاده از مکانیسم عرضه و تقاضا در بلند مدت تعادل در وضعی قرار میگیرد که تخصیص منابع به صورت بهینه خواهد بود.

تحلیل بهینه بودن بنگاه رقابتی کامل:

شرط لازم در رسیدن به تخصیص بهینه یا تخصیص کارآمد در بازار رقابتی کامل این است که سطحی از فعالیت اقتصادی انجام شود که در آن، هزینه نهایی و تمام شده بنگاه برابر با قیمت پرداخت شده توسط خریدار باشد. قابل ذکر است که شرط تخصیص بهینه بطور کلی انجام فعالیت در سطحی است که هزینه نهایی و درآمد نهایی برابر شوند. اما در بنگاه و بازار رقابتی درآمد نهایی با قیمت برابر است. زیرا قیمت در بنگاه های رقابتی همواره ثابت است و در برابر هر واحد فروش به اندازه قیمت آن به در آمد ناخالص فروشنده اضافه می شود.

قسمت الف عرضه و تقاضای بازار رقابتی و قسمت ب رفتار بنگاه رقابتی کامل را نشان می دهد



تخصیص در بازار رقابتی کامل

اهمیت و امکان سنجی شرایط رقابتی کامل:

بدیهی است اگر زمینه های بهینگی بیان شده در بخش قبلی فراهم باشد، رفاه مصرف کننده بهینه خواهد بود و قیمتی که می پردازد حداقل مقداری است که باید پردازد. بنابراین رضایت وی نیز جلب می شود. و خرید مربوط را با آگاهی کامل انجام می دهد. از سوی دیگر، بنگاه نیز خود را با شرایط مختلف وفق داده، از اطلاعات موجود برای تنظیم نوعی رفتار مناسب و مطلوب بهره میگیرد.

بررسی امکان عملی تخصیص کارآمد در بازار

زمینه های شکل گیری رقابت کامل:

بازار رقابت کامل در اقتصاد بیشتر یک الگوی فرضی است که برای مقایسه بازارهای واقعی مورد

توجه قرار میگیرد. به همین دلیل بسیاری از صاحب نظران اقتصادی هنگام بحث از رقابت، به وضعیت

نزدیک رقابت کامل اشاره می کنند و نه رقابت کامل و تمام عیار.

بررسی امکان عملی تخصیص کارآمد در بازار

دشواری های اطلاعات کامل:

یکی از فرض های رقابت کامل، وجود اطلاعات کامل و بدون هزینه است. اما از یک طرف چنین

اطلاعاتی وجود ندارد. از طرف دیگر اگرهم وجود داشته باشد، رایگان نخواهد بود. بدیهی است وقتی

اطلاعات کافی نباشد امکان تخصیص بهینه منابع با سوال همراه خواهد بود. در نتیجه برای افزایش کارایی در بازار حضور دولت ضروری است.

وجود انحصار و دیگر محدودیت های شکل گیری رقابت کامل

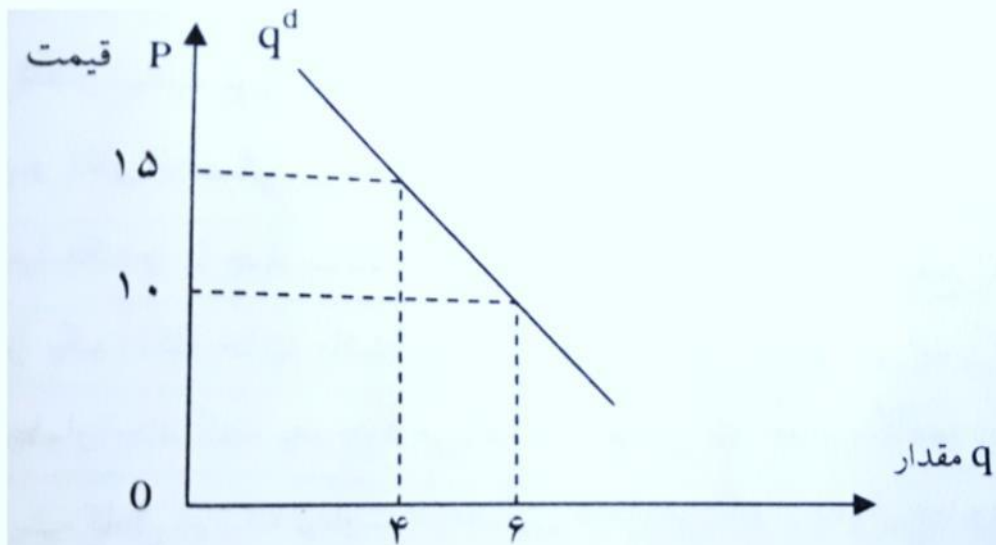
انواع و آثار انحصار:

در مواردی تنها یک و یا چند بنگاه بر بازار حاکم هستند. از این رو وضع انحصاری حاکم است. اگر یک بنگاه حاکم باشد، بازار انحصاری کامل به وجود می آید و اگر چند بنگاه باشند، انحصار چندگانه به وجود می آید. در صورتی که تعداد بنگاه ها زیاد باشد، اما به اندازه رقابت کامل نباشد، رقابت انحصاری شکل میگیرد. بنابراین بدون در نظر گرفتن انحصار طبیعی سه دسته انحصار دیگر مطرح هستند .

انحصار کامل، انحصار چندگانه و رقابت انحصاری.

تحلیل رفتار انحصارگر:

تقاضای مقابل بنگاه انحصاری به صورت افقی نیست که یک قیمت ثابت در هر سطح فروش حاکم باشد، بلکه این تقاضا پایین رونده است. در نتیجه انحصار گرا می تواند با کاهش میزان فروش قیمت بالا تری برای کالای خود در نظر بگیرد.



نمودار ۲-۴- تقاضای مقابل انحصارگر

زمینه های حضور دولت بهینه:

دولت بهینه می تواند به حل برخی دشواری ها کمک کند. دولت می تواند از طریق ارائه اطلاعات لازم، از راه مبارزه با انحصار و از راه آسان کردن مقررات ورود و خروج بنگاه ها، به افزایش کارایی بازار و تشویق رقابت کمک کند.

دشواری امکان رقابتی کردن همه فعالیت ها:

در مکانیسم بازار فرض می شود امکان رقابتی کردن همه فعالیت ها و کالاها وجود دارد. یعنی امکان اینکه بنگاه های کوچک بتوانند سطح کوچکی از تولید و فروش را به عهده گیرند و در سطح حداقل هزینه های متوسط عمل کنند، وجود دارد. اما ساختار همه فعالیت ها اینگونه نیست و درمورد برخی از آنها امکان کوچک کردن تولید یا هر فعالیت مشابه با حداقل هزینه وجود ندارد. یعنی وضع صنعت مورد نظر به گونه ای است که باید تولید در حجم وسیع صورت گیرد تا شرط حداقل هزینه اعمال شود و در این صورت، بنگاه های کوچک توان انجام آنها ندارند. به عبارت دیگر امکان انجام فعالیت رقابتی در آن صنعت وجود ندارد. اینجا است که زمینه انحصار طبیعی فراهم می شود. در نتیجه دولت به تولید کارآمد این دسته از کالاها و خدمات اقدام می کند.

دشواری شکل گیری بازار برای برخی فعالیت ها:

پیش فرض ضمنی دیگر در کارآمد بودن مکانیسم بازار، اصل وجود بازارهای کامل برای مبادله انواع محصول است. این درحالی است که ممکن است نتوان برای همه کالاها بازار بوجود آورد. مشکل دیگر در مکانیسم بازار، فرض وجود قیمت های تعریف شده برای هر واحد است.

اما چند مشکل در اینجا مطرح است:

۱) نخست اینکه خرید یا فروش برخی از کالاها و شکل گیری بازار و قیمت برای آنها با عدم اطمینان همراه است.

۲) دوم آنکه در مواردی اصلا هزینه و یا منافع نهایی تولید کالا برای فرد و جامعه یکسان نیست. بلکه گاهی هزینه و در مواردی منافع خصوصی تولید، با منافع و هزینه های اجتماعی آن متفاوت است. در نتیجه امکان فراهم شدن شرایط کارآمد در همه موارد در بازار وجود ندارد. از این رو حضور دولت ضرورت خواهد داشت.

کالاهای عمومی و چگونگی تامین آن

معرفی کالاهای عمومی و خصوصیات آن:

کالای عمومی در برابر کالای خصوصی قرار دارد. در اینجا عمومی بودن و خصوصی بودن به مالکیت بخش عمومی و یا خصوصی مربوط نمی شود بلکه به خصوصیت کالا در مورد استفاده همزمان از آن ارتباط دارد. به این صورت که کالای خصوصی به کالای کمیابی گفته می شود که مصرف آن توسط یک نفر مانع از مصرف همزمان آن توسط دیگران می شود. در مقابل، کالای عمومی کالایی است که مصرف آن توسط یک فرد مانع از مصرف همزمان آن توسط دیگری نمی شود.

رقابت ناپذیری کالای عمومی:

وقتی یک شخص از پارک استفاده می کند، دیگری نیز می تواند از آن استفاده کند. به این ویژگی کالای عمومی رقابت ناپذیری می گویند. به این معنا که وقتی یک فرد از آن استفاده می کند، رقیب دیگری نمی شود. اما کالای خصوصی را می توان رقابت پذیر نامید.

استثنا ناپذیری کالای عمومی:

فروشنده کالای خصوصی توان استثنا کردن و محروم کردن یک مصرف کننده را در کاربرد آن کالا دارد. اگر شخصی تمایل به خرید یک کالای خاص داشته باشد و توان خرید آن را هم داشته باد می تواند کالا را خریداری کند. اما فروشنده کالای خصوصی می تواند کالای مورد نظر را به قشر خاصی نفروشد. از این رو گفته می شود کالاهای خصوصی استثنا پذیر هستند. اما در مورد کالاهای عمومی، استثنا کردن و محروم سازی دیگران تقریباً وجود ندارد.

عمومی کامل و عمومی غیر کامل:

آن دسته از کالاهای عمومی که با فرض ثابت بودن سایر شرایط، همه می توانند به طور همزمان استفاده کنند، کالای عمومی کامل نامیده می شوند. آن دسته از کالاهای عمومی که ظرفیت محدودی دارند و پس از تکمیل عادی ظرفیت، ورود دیگران با مشکل روبرو می شود، کالای عمومی غیر کامل به حساب می آیند.

پدیده سواری مجانی و تامین کالاهای عمومی:

کالای عمومی یک خصوصیت توجه دیگر دارد که در عرف مالیه عمومی و اقتصاد بخش عمومی به سواری مجانی معروف است. مفهوم کلی سواری مجانی این است که افراد و یا گروه هایی از کالا یا خدماتی استفاده کنند، بدون آنکه در هزینه تامین و تدارک آن سهم باشند. این زمینه در مورد کالای خصوصی وجود ندارند. اما کالای عمومی چنین نیست.

نظارت و حمایت دولت از تامین کالای عمومی

تدارک و ارائه کالاهای عمومی توسط دولت لزوماً به مفهوم تولید مستقیم آنها به وسیله دولت نیست. بلکه ممکن است دولت با حمایت، نظارت و کنترل قانونمند، در مواردی تولید کالاهای عمومی را به بخش خصوصی واگذار کند. تعدادی از وظایف و خدمات دولتی وجود دارند که توسط دولت انجام می شوند و امکان ارائه بهینه آنها توسط بخش خصوصی یا وجود ندارد یا بسیار کم وجود دارد.

پیامدها و آثار خارجی

کلیاتی از آثار جانبی یا خارجی

معرفی فعالیت مشمول پیامد:

آثار برخی از فعالیت های اقتصادی منحصر به مصرف کننده یا تولید کننده آن نبوده، روی دیگران موثر است. موضوع مهمتر در مورد این کالاها آن است که تاثیر گذاری اینها بر شخص ثالث در قالب بازار قابل حل و فصل نیست. به اینها کالاها و خدمات مشمول پیامد و به آثار آنها، آثار پیامدی گفته می شود.

پیامدهای مثبت و منفی:

یک موضوع قابل توجه در مورد آثار پیامدی این است که پیامدها صرفا منفی نبوده و در مواردی پیامدهای مثبت هم وجود دارد. یک بحث جدی در مورد پیامدهای خارجی این است که چون در قالب بازار نمیگنجد، دولت باید امور آنها را حل و فصل کند.

تولید کارآمد پیامدهای خارجی

یک بحث این است که تولید چه میزان از کالاها و خدمات، مشمول پیامدهای خارجی بهینه است. بدیهی است به توجه به اینکه تاثیر این کالا فراتر از خود تولید کننده و یا مصرف کننده مستقیم است، بین هزینه ها و منافع فردی و اجتماعی تفاوت وجود خواهد داشت. به این صورت که در مورد پیامدهای خارجی منفی، هزینه های اجتماعی بیشتر از هزینه های فردی هستند و در مورد پیامدهای خارجی مثبت، منافع اجتماعی بیشتر از منافع فردی اند.

آثار و پیامد خارجی منفی چند

نتیجه از بررسی پیامد منفی:

چند نتیجه قابل توجه از تحلیل بهینه یابی پیامد منفی قابل استخراج است. یکی اینکه وقتی پدیده آثار خارجی وجود دارد در مکانیسم بازار بنگاه خصوصی، مقداری تولید می کند که بیشتر از مقدار بهینه اجتماعی است. دوم اینکه هر نوع حرکت تولیدی در جهت کاهش تولید از سطح بهینه شخصی (Ep) به سوی بهینه اجتماعی (Es) باعث افزایش کارایی اجتماعی خواهد شد. سوم اینکه تولید صفر از کالاهای مشمول پیامدی منفی موجب صفر شدن پیامد خواهد بود. اما این لزوما امری مطلوب نخواهد بود.

آثار و پیامدهای خارجی مثبت:

گاهی یک فعالیت تولیدی و یا مصرفی، علاوه بر نفع مستقیمی که برای تولیدکننده و مصرف کننده دارد، آثار جانبی مفیدی نیز برای دیگران دارد. ارزیابی این اثر نیز مانند ارزیابی صورت گرفته در مورد آثار خارجی منفی است.

تحلیل هندسی پیامد مثبت:

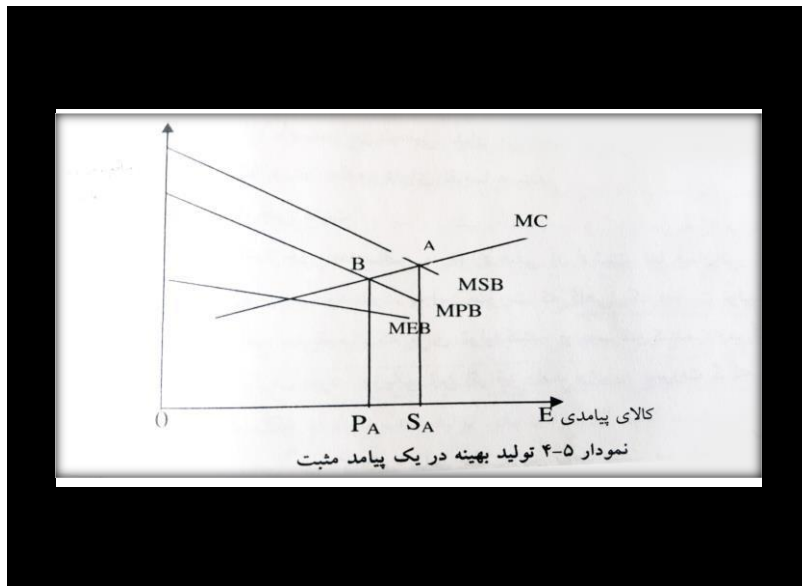
تجزیه و تحلیل کالای پیامدی مثبت به صورت هندسی در نمودار نشان داده شده است. منحنی هزینه نهایی (MC) برای هر دو بخش شخصی و اجتماعی یکسان فرض شده است. اما با توجه به وجود نفع نهایی پیامدی

(MEB)، نفع نهایی اجتماعی با نفع نهایی فردی متفاوت خواهند بود. همانطور که مشاهده می شود تولید بهینه پژوهش از نظر منافع شخصی مقدار OPa خواهد بود که در آن، هزینه نهایی و منفعت نهایی خصوصی

تحلیل هندسی پیامد مثبت:

برابر هستند. اما سطح فعالیت های پژوهشی مطلوب از نظر اجتماعی بالاتر از آن بوده در Osa قرار دارد. زیرا در این نقطه، منحنی های هزینه نهایی و منفعت نهایی اجتماعی یکدیگر را قطع می کنند. یعنی در نقطه یاد شده برابر هستند. بدیهی است هرچه سطح پژوهش از نقطه Pa بیشتر و به Sa نزدیکتر شود از نظر اجتماعی مفیدتر خواهد بود.

تحلیل هندسی پیامد مثبت



چگونگی برخورد با پیامدها:

پدیده آثار خارجی، در قالب خارجی، قابل حل و فصل نیست. به عبارت دیگر، یکی از زمینه های شکست بازار و حضور دولت در اقتصاد همین پدیده آثار جانبی یا خارجی است. دولت باید در مورد کالاهای مشمول پیامد خارجی به گونه ای رفتار کند که موجب تشویق تولید پیامدهای مثبت و کاهش تولید پیامدهای منفی گردد. در صورتی که قرار باشد سطح تولید کالاها و فعالیت های یاد شده از نظر اجتماعی بهینه باشد، بلید دولت در این پدیده دخالت کند.

مالیات و سوبسید:

راه حل مالیات و سوبسید، اتساع به یکی از اقتصاد دانان و بنیان گذاران مالیه عمومی قدیم به نام پیگو دارد. وی عقیده داشت باید از صاحب بنگاه ایجاد کننده پیامد منفی به اندازه ای مالیات گرفت تا تولید خود را تا سطح کارآمد اجتماعی کاهش دهد. راه حل مالیات نوعی جریمه نیز به حساب می آید. اصولاً وضع مالیات، هزینه تولید را افزایش می دهد و آن باعث کاهش تولید و عرضه می گردد. راه حل سوبسید در واقع چهره دیگری از راه حل مالیات است. به این صورت که در راه حل مالیات، مبلغی از

ایجاد کنندگان آلودگی گرفته می شد تا الودگی کمتری ایجاد کنند. در راه حل سوبسید مقداری به آنها پرداخت می شود تا محیط را آلوده نکنند.

فروش اجازه ایجاد آثار منفی:

یک روش دیگر برای رسیدن به سطح تولید کارآمد اجتماعی آلاینده ها، فروش اجازه آلودگی است. به این صورت که دولت در شکل نوعی مزایده اعلام می کند که هرکس مبلغ بیشتری برای ایجاد آلودگی بپردازد، صاحب امتیاز مربوطه خواهد بود و می تواند آلودگی ایجاد کند. میزان اجازه به صورتی است که می تواند سطح تولید را به میزان مورد نظر دولت برساند.

تدوین حقوق مالکیت:

این راه حل با توجه به ارتباط بحث پیامد خارجی با مساله مالکیت در نظر گرفته شده است. به نظر طرفداران این راه حل، یکی از علل ریشه ای پیامدهای خارجی، مشخص نبودن محدوده مالکیت است. حال اگر بتوان محدوده مربوطه را در تملک بخش خصوصی تعریف کرد، موضوع راه حل خصوصی خواهد داشت.

مقایسه عمومی راه حل ها:

از میان راه حل های چهارگانه فوق، بجز راه حل کاوز، بقیه مستلزم دخالت دولتند. راه حل هایی مناسب هستند که هم تاثیر قابل توجهی داشته باشند و هم هزینه جدیدی به همراه نداشته باشند. برای انتخاب راه حل مناسب باید منفعت و هزینه مربوطه مورد مقایسه قرار گیرند. از این رو گاهی راه حل های مالیاتی زمانی راه حل فروش محدوده پیامد و گاهی راه حل کاوز نسبت به دیگر راه حل ها ترجیح دارند. مناسب است که با توجه به شرایط مختلف از تمامی راه حل ها استفاده شود.

راه حل اعمال قوانین و مقررات، نصب ابزار و مانند آن:

گاهی در مورد میزان ایجاد آثار منفی، نوعی مقررات تدوین می شود و هر بنگاه موظف است در محدوده مربوطه حرکت کند. در صورت عدم توجه بنگاه به محدوده یاد شده، مجازات هایی برای آن در نظر گرفته می شود.

مقایسه عمومی راه حل ها:

از میان راه حل های چهارگانه فوق، بجز راه حل کاوز، بقیه مستلزم دخالت دولتند. راه حل هایی مناسب هستند که هم تاثیر قابل توجهی داشته باشند و هم هزینه جدیدی به همراه نداشته باشند. برای انتخاب راه

حل مناسب باید منفعت و هزینه مربوطه مورد مقایسه قرار گیرند. از این رو گاهی راه حل های مالیاتی زمانی راه حل فروش محدوده پیامد و گاهی راه حل کاوز نسبت به دیگر راه حل ها ترجیح دارند. مناسب است که با توجه به شرایط مختلف از تمامی راه حل ها استفاده شود.

تعریف بودجه:

بودجه به طور کلی نوعی پیش بینی و برآورده درآمد هاست و هزینه های یکسال مالی دولت است. امور مالی ایران اولین بار در سال ۱۲۹۰ شمسی بوجه را به صورت سندی تعریف می کنند. که در آن دخل و خرج و یکسر فعالیت ها برای مدت مشخصی پیش بینی و تصویب می گردد.

مراحل بودجه:

- ۱- تهیه و تنظیم بودجه
- ۲- تصویب بودجه
- ۳- اجرای بودجه
- ۴- نظارت بر اجرای بودجه

۱- تهیه و تنظیم بودجه:

در هر کشور یک سازمان ویا دفتری ویا وزارت و بطور کلی یک دستگاه معین وجود دارد که زیر نظر نخست وزیر و رئیس جمهور مسائل مربوط به بودجه را بر عهد دارد هر سال بخشنامه بودجه مربوط به سال بعد توسط رئیس جمهور به سازمان بودجه ابلاغ میشود. سازمان پس از دریافت بخشنامه دستور العمل مربوطه را تنظیم میکنند و به تمام دستگاه ها ارسال می شود. در دستگاه های دولتی که از بودجه عمومی استفاده می کنند. کمیته ای تشکیل می شود که مخارج و درآمدهای سال بعد آن دستگاه را برآورده کند و در هر استان اداره برنامه بودجه کلیه گزارش های مالی را جمع آوری و بررسی میکند.

۲- تصویب بودجه:

زمانی که لایحه بودجه توسط رئیس جمهور و یا مقامی دیگر به مجلس تقدیم می شود. مجلس پس از تحویل گرفتن لایحه آن را به کمیسیون خصوصی که به صورت تخصصی ارجاع میدهد کمیسیون موظف است با ریزنی مطالعات و صاحب نظران اقتصادی و... بحث خاصی از بودجه تخصص دارد و مورد تجزیه و تحلیل کند وقتی کمیسیون موافق باشد در جلسات علنی مجلس مور بحث قرار می گیرد و بعد از تائیدی کفایت مذاکرات موافق و مخالف رای گیری می شود تبصره ناحیه نماینده و تاثیر گذاری های یگر به وجود می آید لایحه ی تصویب شده برای اجرا به رئیس جمهور تقدیم میشود .

۳- اجرای بودجه

زمانی که لایحه بودجه مصوب به صورت قانون بودجه باشد پس از ابلاغ بودجه مصوب نوعی مذاکره و مکاتبه بین سازمان برنامه ریزی بودجه و دستگاهاب مربوطه صورت میگیرد یک دوازدهم اعتبارات جاری دستگاه ها به صورت عای الحساب قابل برداشت است اعتبارات عمرانی و جاری نباید از میزان مطلوب تجاوز کند.

۴- نظارت بر اجرای بودجه

آخرین مرحله در امر بودجه نظارت بر اجرای بودجه است نظارت و کنترل به صورت دائمی و ---ونه نظارت تشریحی می تواند در انتظام بخشیدن به مجاری معین شده در بودجه مصوب نقش قابل توجهی داشته باش نظارت بر بودجه کمیته مشترکی از سه قوه (مجریه ، مقننه ، قضاییه) تشکیل میگردد و نظارت زیر نظر هیات وزیران و قوه مجریه است و دیوان محاسبات سازمانی قانونی است که رابط بین قوه مجریه و مقننه است و یک نظارت رسمی دارد.

اصول بودجه

۱- اصل وحدت بودجه

۲- جامعیت کامل بودجه

۳- اصل شاملیت یا تفصیل بودجه

۴- اصل تخصیص بودجه

اصل سالانه بودن بودجه = بوجه کشور باید برای یک سال تدوین شود و بزرگترین برنامه ریزی هاست

اصل وحدت بودجه = واحد بودن پرونده بودجه در هر کشور تاکید

اصل جامعیت و کاملیت بودجه = فراگیر بودن آن بر درآمدها و هزینه های کلیه واحدها وابسته به دولت است

۱

اصل تعادل بودجه = در هر بودجه بندی به ویژه بودجه بندی سالیانه است و باید بین هزینه ها و درآمدها توازن

برقرار باشد

اصل تخصیص بودن = به نحوه ی خواهان قانون مندی حرکت و لت در برخورد با بودجه است

نقش دولت در رفع فقر و نابرابری :

الف) فقر و نابرابری

ب) شاخص نابرابری

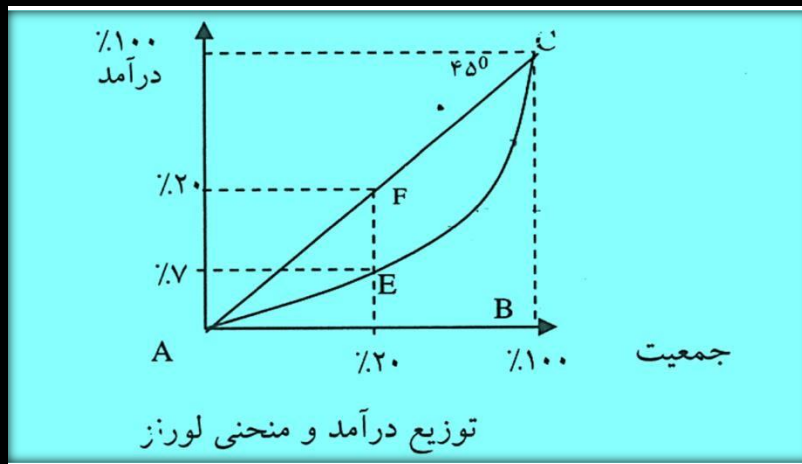
*فقر و نابرابری:

*مبارزه با فقر و نابرابری همواره از دغدغه های بسیاری از سیاست گذاران اقتصادی و سیاست های مردمی و صاحب نظران و متکبران بوده است.

*فقر مطلق یعنی فرد یا خانواری که امکان تعمین نیازهای اولیه خود را ندارد و از حداقل مسکن، آموزش، خوراک و پوشاک محروم است و خط فقر مطلق را نیز بر همین اساس تعریف میکند حدود بیست درصد از خانوار ایران زیر خط فقر است.

شاخص نابرابری:

برای تحلیل و مقایسه ی نابرابری شاخصه های مختلفی به کار گرفته میشود مشهورترین و رایج ترین آن ها منحنی لورنز و شاخص جینی است که با رسم یک منحنی در سال ۱۹۰۵ با استفاده از محور مختصات و یه خط ۴۵ درجه به استخراج نوعی شاخص نابرابری ست یافت. او درصد درآمد و یا ثروت را ر محور عمودی و جمعیت را در محور افقی قرار داد و در آخر یک یک شکل مربع مستطیل ساخت. هرچه فاصله ی ۴۵ درجه و منحنی لورنز کمتر باشد ضریب کوچکتراست و اگر فاصله ی مربوطه بیشتر باشد ضریب جینی بزرگتر خواه بود.



نظریه های توزیع درآمد و نقش دولت ر توزیع:

از میان معیار های ممکن برای نشان دادن توزیع علاننه به چند معیار اشاره کنیم.

الف) وضع موجود گرایان

ب) مطلوبیت گرایان ج)

تساوی گرایان مشهورترین

مواردی است.

موجود گرایان

عادلانه بودن از نظر اینها آن وضعی است که افراد آنچه دارند تقریباً برای خودشان باقی بماند و به چند دسته تقسیم شوند .

دسته اول: رفع موجود گرایان هیچ نوع اصلی در امور نمی پذیرند

دسته دوم: شرط بازار رقابت را برای استهقاق در نظر می گیرند.

دسته سوم: کا را منشاء استهقاق می داند و درآمدهای غیر کار غیر قانونی است .

دسته چهارم: می گویند اگر در مرحله اولیه موقیعت هم مساوی باش وجود یا عدم تساوی درآمد در مراحل قابل توجه بوده و غیر عادلانه است.

در تفصیر اقتصاد بازار از این دیدگاه عدم تساوی درآمد و تساوی از تفاوت های ذاتی است

مطلوبیت گرایان:

دومین دسته از معیارهای توزیع عادلانه درآمد ها به مطلوبیت گرایان تعلق دارد زمینه بروز این فکریه نقدی برمیگردد، تصور کلی این است که وضع موجود گرایان تفاوت های ذاتی را توجیه قانونی تفاوت درآمد میداند و عده ای دیگر عقیده دارند تفاوت ذاتی منشاء مشروعیت تفاوت در وضع اقتصاد را رد میکند و عقیده دارند این امر نباید زمینه ای گردد که تعیین کننده توزیع درآمد محسوب گردد و هر شخصی که به دنیا میاید توانمندی های خاصی دارد که نشانه تلاش نیست، و توزیع ذاتی قابل دفاع نیست و باید فکری دیگری کرد. اگر n نفر در جامعه باشند و مطلوبیت i امین نفر، R_i باشد و مطلوبیت و رفاه اجتماعی Re به این صورت است :

اگر مطلوبیت افزایش یابد و مطلوبیت دیگران ثابت مطلوبیت جامعه $RE = RE(R_1 + R_2 + R_3 + \dots + R_n)$

افزایش خواهد یافت تساوی گرایان

در این دیدگاه افراد را نمیتون وادار کرد حاضر شوند برای زیاد شدن رفاه دیگران از رفاه خود چشم پپوشند و افراد تمایل دارند آزادانه و با توجه به منافع شخصی خود تصمیم بگیرند معیارهای تساوی گرایانه میخواهد

موقعیت مساوی برای افراد فراهم کند اندیشمندان زیادی مثل، روسو و مارکسی و مسیحی پایه فکری تساوی گرایانه دارند مارکس) در بیان توزیع معیار میگوید از هر کس به اندازه توانش استفاده شود و به هر کس بر حسب نیازش پرداخت گردد (جان رالز) حداکثر کردن حداقل ها (و انسانها تصمیم گیرنده برای ایجاد توزیع عادلانه از منافع شخصی خود خواهد گذشت و به یک الگو اخلاقی روی آورد. در قرن ۲۱ ثروتمندان و حتی کمک صاحبان درآمد های متوسط به موسسات خیریه و همکاری تامین نیازهای بیسرپرستان و امثال اینها عدالت و توزیع عادلانه در بلند مدت ضامن بقا و حفظ ثروت ثروتمندان شود **عدالت کلی از تثبیت و توزیع در**

ایران

در مورد ایران قبل از انقلاب اسلامی میتوان گفت به سال ۱۹۷۳ که نوعی شک نفتی به وجود آمد که قیمت نفت بالا رفت و در اقتصاد ایران سایه افکند و نوعی بیماری هلند درست شد و باعث آسیب پذیر شدن و غیر رقابتی شدن اقتصاد شد چون در کشور هلند عدم چرخش طبیعی آن توسط مالیات اولین بار به وجود آمد به بیماری هلند معروف شد و اقتصاد ایران با نفت اداره میشد و طلا سیاه نامیده شد و بودجه بندی، توزیع درآمد و تثبیت اقتصادی، همه دستخوش اقتصاد نفت شد و همه نیازها وارد کشور میشود

تثبیت و توزیع در دوره اول (۱۳۵۷-۱۳۶۷)

با پیروزی انقلاب و آغاز جنگ ۸ ساله زمینه برای فعالیتهای اقتصادی از بین رفت و اقتصاد کشور با توجه به مسائل معنوی همراه بارش و تلاش برای تولید و توفندگی مورد تاکید قرار گرفت و اقتصاد کشور موفق شد در سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ به دلیل کاهش تولید نفت تولید ناخالصی داخلی را کاهش دهد عدم تکیه بر صادرات کالاهای غیر ضروری و عدم تشویق به مصرف زدگی است که مصرف دولتی و بخش خصوصی کاهش پیدا کرد و انقلاب با تنگناهای اقتصاد و سیاسی و تحریم بین المللی و حاکمیت فوری یک جنگ نامناسب نسبتا خوبی

بود

تثبیت و توزیع در دوره دوم (۱۳۶۸-۱۳۷۵)

بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ اقتصاد در ایران شروع شد آزاد شدن نیرو و امکانات پس از جنگ زمینه تحولات در امور را فراهم آورد و تلاش زیادی برای باسازی کشور انجام شد و اقتصاد پایه ریزی شد یکی از پدیده های مشکل آفرین حاکمیت یک تورم شدید داشت و خلاصه اینکه اقتصاد ر وضعیتی تحویل رئیس جمهور بعدی شد که تورم، بدهی خارجی، دشواریهای تولید، توقع مصرف بالا طرح های نیمه تمام و امثال آن بر اقتصاد حکومت کرد و صدا و سیما سخن از موفقیت میزد .

تثبیت و توزیع در دوره سوم (۱۳۷۶-۱۳۸۳)

در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ مردم یک دولت جدید را انتخاب کردند و از انتظارات مردم از این دولت رفع و سامان مشکلات در دوره قبل بود. دولت جدید با لغو امتیازات و نزدیک شدن مسئولین به مردم و اهمیت دادن به جوانان و نمونه ای از این شعارها کار خود را شروع کرد.

رئیس جمهور در اولین برنامه اقتصادی خود لایحه بودجه رابه مجلس تقدیم کرد و برخی واقعیتها را اعلام کرد اما بالا بودن سهم هزینه های جاری نسبت به سال قبل و نقش درآمد نفت در تامین بودجه از مشکلات لایحه بود نبودن استراتژی روشن و سازگار با شرایط جدید یکی از مشکلات اصلاحات بود که تورم در سال ۱۳۸۳ به دهم نیم درصد رسید . با وجود مجامع تصمیم گیری موازی یکی از مشکلات اقتصاد ایران بود که بخش قابل توجهی از فعالیت های اقتصادی کشور از حسابرسی رسمی بدور باش و برنامه چهارم با اصلاحاتی وسیع به تصویب برسد.

تثبیت و توزیع در دوره چهارم (۱۳۸۴-۱۳۹۱)

دولت جدید با سیاستهای بلند پروازانه امور کشور را بدست گرفت و در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ بودجه رشد بالای داشت و درآمد آن از بالا رفتن قیمت نفت بود این دولت نسبت به دولتهای دیگر از ویژگی های همچون کمترین انضباط اقتصادی، بیشترین تنش بین المللی، هدر رفتن سرمایه اقتصادی، کمترین شفاف سازی آماری

وبیشترین حجم سیاسی شدن اقتصاد کلان کشور برخوردار بود پیش بینی میشود تا این برنامه ادامه دارد تراز پرداخت ها منفی تر، رشد تولید کمتر، تورم و بیکاری بیشتر و توزیع درآمد نامناسب تر است

هزینه ها و درآمدهای بخش عمومی

۶-۱- جایگاه و نقش هزینه های بخش عمومی

-- اهمیت و روند هزینه عمومی:
-- اهمیت و روند هزینه عمومی:

خدمات عمومی هزینه های مربوط به تأمین اجتماعی، حمایت دولت از امور بهداشتی و آموزشی، ترکیب عمده هزینه های دولت را تشکیل می دهند. حجم هزینه های دولت از دهه ۱۹۴۰ تا اواخر دهه ۱۹۷۰ روبه رشد بوده است. در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ از سهم هزینه های دولت نسبت به تولید ناخالص ملی کاسته شد. در دهه اول قرن ۲۱ هزینه های بخش عمومی روندی افزایشی با رشدی آرام و پایین را داشته اند. پس از بحران مالی و اقتصادی ۲۰۰۷-۲۰۱۲، بحث بیشتر انضباط مالی از یک طرف و توجه به توانمند سازی اقشار محروم از سوی دیگر تأثیر خود را بر هزینه های دولت گذاشته است. هزینه های عمومی معمولاً شامل هزینه های جاری و هزینه های سرمایه ای یا عمرانی است. مجموعه هزینه های بخش دولتی، شامل هزینه های آموزشی، بهداشتی، حمل و نقل، مسکن امور حقوقی، دفاع، تأمین اجتماعی، دیگر هزینه های خدماتی و پرداخت بدهی بهره بخش دولتی است.

هزینه دولت های منتخب) درصدی از GDP)

نام کشور	هزینه نسبت به GDP	نام کشور	هزینه نسبت به GDP	نام کشور	هزینه نسبت به GDP
کره جنوبی	۲۸/۵	نروژ	۴/۷	پرتغال	۴۷/۱
ایرلند	۳۵/۵	لهستان	۴۲/۷	ایتالیا	۴۷/۶
آمریکا	۳۸/۲	ایسلند	۴۲/۹	فنلاند	۴۸/۹
اسلواکی	۳۷/۵	متوسط OECD	۴۴/۷	بلژیک	۴۹/۵
ژاپن	۳۸/۱	یونان	۴۲/۹	مجارستان	۴۹/۹
اسپانیا	۳۷/۵	انگلستان	۴۳/۷	اتریش	۵۰/۲
نیوزیلند	۳۹/۲	چک	۴۳/۹	دانمارک	۵۲/۴
کانادا	۳۹/۸	هلند	۴۵/۴	فرانسه	۵۲/۸
لوکزامبورگ	۴۰/۱	آلمان	۴۶/۲	سوئد	۵۳/۹

-- روند هزینه عمومی به عنوان درصدی از تولید ناخالص: هزینه های بخش عمومی به صورت درصدی از تولید ناخالص ملی معیاری از روند این هزینه ها را نشان می دهد.

۶-۱-۲- ملاحظات اساسی در هزینه عمومی

-- توجه اقتصادی: هزینه های بخش عمومی برای داشتن توجه اقتصادی، باید در راستای گسترش رفاه، کارایی و توانمندی شهروندان صرف شده باشند.

توازن و کارایی و عدالت: از منظر اقتصاد بخش عمومی توصیه می شود که در اجرای هزینه های بخش عمومی توازن بین کارایی و حصول به عدالت اجتماعی در نظر باشد.

-- انطباط و شفافیت: ضمن ترسیم مقررات شفاف، اعمال نوعی انطباط مدیریتی در اجرای قوانین و نظارت بر کاربرد هزینه های بخش عمومی ضروری است.

اولویت سنجی: اولویت دادن به هزینه سرمایه گذاری و عمرانی نسبت به هزینه های جاری نیز در چارچوب هزینه های عمومی از اهمیت خاصی برخوردار است.

-- اهمیت تأمین مالی هزینه ها: استقراض از بانک مرکزی برای تأمین کسری بودجه به طور جدی مشکل آفرین است. در صورت عدم امکان تأمین هزینه از راه مالیات، توصیه می شود راه حل بهینه دوم، یعنی استقراض از مردم) از طریق انتشار اوراق قرضه (انتخاب شود. بهینه اول در تأمین هزینه های بخش دولتی، اخذ مالیات است.

-- مقایسه هزینه های عمومی (دولتی) در کشورهای مختلف: شامل مصرف بخش عمومی، سرمایه گذاری بخش عمومی و انواع سوبسیدها است. اینها به طور معمول شامل پرداخت های انتقالی، بدهی های نرخ بهره - مربوط به وام دریافتی دولت - و وام دریافتی دولت - و وامهای خالص اعطایی به شهروندان داخلی و یا خارجیها است.

موضوع قابل تأکید دیگر، چگونگی سهم هزینه دولت در کشورهای پیشرفته است.

تصور عمومی آن است که در این کشورها به خاطر کوچک بودن دولت، هزینه های بخش دولتی باید رقم کوچکی باشد، اما برعکس، هزینه های دولتی در کشورهای یاد شده به طور متوسط نزدیک ۲۰ درصد تولید

ناخالص آنها را شامل می شود. این موضوع به دلیل نقش قابل توجه این دولت ها در گسترش رفاه عمومی - به ویژه در آموزش بهداشت و تأمین اجتماعی - غیر قابل انتظار نخواهد بود.

-- دورنمای هزینه های عمومی و اندازه دولت: برخی پیش بینی می کنند که از اواسط دهه دوم قرن ۲۱ به بعد فشار ناکارآمدی هزینه های دولتی باعث کاهش آنها می شود. برعکس، عده ای ظهور دولت بزرگ برای رویارویی با مشکلات بزرگ در گسترش جهانی شدن در دهه های سوم به بعد قرن ۲۱ را پیش بینی می کنند. عده ای نیز به طیفی از دولت بین آن دو عقیده دارند. بحث دولت بهینه و حکمرانی خوب در این ارتباط مطرح می شود که بر کارآمدی، انضباط، کنترل فساد، حاکمیت قانون پاسخگویی و رضایت شهروندان از عملکرد دولت تأکید دارد.

۶-۲- کلیاتی از مالیات و سوبسید

-- معرفی کلی مالیات: مالیات به طور کلی، بخشی از درآمد، ثروت، فروش و یا بخشی از هر نوع منبع مشابه است که توسط دولت از اشخاص حقیقی و حقوقی گرفته می شود.

-- پایه مالیاتی: پایه مالیاتی همان مبنایی است که بر اساس آن، مالیات وضع می شود. مثلاً وقتی از درآمد، مالیات گرفته می شود، پایه مالیاتی، درآمد است و اگر مصرف مبنای گرفتن مالیات قرار گیرد، مصرف، پایه مالیاتی خواهد بود.

-- گستره مالیات و پایه مالیاتی: انواع عوارض، تعرفه گمرکی و موارد مشابه را نیز می توان تحت مفهوم کلی مالیات قرار داد. از این رو وقتی یک شخص حقیقی و یا حقوقی از خارج کالایی وارد می کند و اداره گمرک از صاحب آن ۲۰ درصد ارزش کالای وارداتی یاد شده را به عنوان تعرفه اخذ می کند، پایه مالیاتی واردات

بوده، تعرفه اخذ شده نوعی مالیات است. ریکاردو، اقتصاددان معروف، مالیات را آن بخش از محصول زمین و یا درآمد حاصل از کار می داند که دولت برای تأمین هزینه های خود اخذ می کند.

-- گریز ناپذیری مالیات: مالیات از قوی ترین ابزارهای اقتصادی و در مواردی از اهرم های حکومتی و سیاسی است. اصلی ترین عنصر چرخاننده اقتصاد کشورها و ابزار تأمین مالی هزینه های آنها است .

-- ظرفیت مالیاتی: زمانی که ظرفیت مالیاتی شناسایی می شود، قدم اول در کارآمدی نظام مالیاتی برداشته شده است. ظرفیت مالیاتی، گستره فعالیت ها و سایر پایه های قابل مالیات را در بر می گیرد. در کشورهای پیشرفته تقریباً از تمامی ظرفیت مالیاتی استفاده می شود، ولی در کشورهای توسعه نیافته تنها بخشی از ظرفیت مذکور بکارگرفته می شود.

-- فرهنگ مالیات: در قالب فرهنگ مالیاتی کارآمد، مردم به صورت داوطلبانه و به عنوان یک تکلیف اجتماعی مالیات کامل خود را می پردازند مثل (کشورهای توسعه یافته). در فرهنگ های غیر کارآمد، مردم تلاش می کنند کمترین مالیات را در ناگزیرترین شرایط پردازند مثل (کشورهای توسعه نیافته) همچنین نگرش حاکمان و دولتی ها در این خصوص بسیار کار ساز است.

-- مالیات و جهان بینی حاکمان: دولت های منضبط بیشترین توجه را به حوزه های مالیاتی دارند و دولت های فاقد انضباط، هر جا که ممکن باشد به راههای درآمدی غیر مالیاتی فکر می کنند. یک علت هدر رفتن ثروت های ملی کشورهای توسعه نیافته، نفت و سایر منابع اولیه آنان (فقدان بینش مالیاتی کار ساز در میان صاحبان قدرت در این کشورها است. در ایران، وجود منبع نفت در تقویت بینش غیر مالیاتی و غیر حساس

مسئولان کار ساز بوده و در نتیجه نفت در اقتصاد ایران مشکل آفرین گردیده است. از نظر اقتصادی، نفت را نهایتاً می توان برای تقویت زیر ساختها به کار برد تا منابع بلند مدت و آثار آن نصیب نسلهای بعدی گردد. -- نبود مالیات و بیماری هلندی: فقدان مالیات کافی و استفاده ناکارآمد از منبعی چون نفت، اقتصاد را دچار نوعی بیماری هلندی می کند. زیرا علاوه بر آنکه نفت یک منبع درآمدی آسان جلوه می نماید و خیال مسئولان را از تأمین هزینه ها از راه مالیات راحت می کند، موجب افزایش تقاضای غیرکارآمد و گسترش واردات، فضای رقابتی در جامعه شکل نمی گیرد. این حاکمیت نوعی بیماری هلندی است.

-- به هم ریختن جایگاه و نبود مالیات: مالیات هم حقی است که دولت از مردم مطالبه می نمایند. دولتی که از مردم مالیات می گیرد متعهد می شود که به مردم خدمت کند، چون مالیات مردم، دولت را سر پا نگه می دارد و لذا دولت تلاش می کند رضایت مالیات دهندگان را حفظ نماید و مردم در عمل ارباب دولت ها می شوند و دولت ها فرمانبرداران مردم این رابطه ای عمیق و نهادینه در عرصه سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع است. اما بر عکس کشوری مثل ایران که دولت ها بجای مالیات بر نفت استوارند، نیازی به مالیات مردم احساس نمی کنند. از این رو آنها نه تنها مردم را ارباب خود نمی دانند، بلکه حتی با توجه به هزینه کردن منابع ملی (مثل نفت) بر مردم سلطه نیز خواهند داشت و حلقه طبیعی برعکس شده، دولت ارباب می شود و مردم پیرو. بدیهی است این امر آثار مشکل آفرینی در میان مدت برای اداره کشور به همراه دارد که علاوه بر ناکارآمدی بخش دولتی در عرصه اقتصاد، زمینه نوعی استبداد سیاسی و فرهنگی نیز برای آن فراهم خواهد شد.

-- سوبسید و پرداخت های انتقالی: سوبسید یا یارانه که مالیات منفی هم نامیده می شود، نوعی انجام هزینه از سوی دولت است. سوبسید برای افزایش رفاه عمومی و یا رفاه قشر خاصی از شهروندان و یا برای تشویق تولید برخی از کالاها و خدمات در نظر گرفته می شود. پرداخت های انتقالی، کمک های بلاعوض دولت به اقشار خاصی از جامعه است. سوبسیدها و پرداخت های انتقالی - چون هزینه محسوب می شوند - حساسیت

بیشتری نسبت به مالیات بر می انگیزند. چون افزایش سوبسید در حال حاضر به معنای فشار مالیاتی در آینده خواهد بود. زیرا تأمین مالی آن از طریق مالیات صورت می گیرد از این رو کارشناسان و سیاست گذاران با بررسی همه جانبه به طراحی نظام مالیاتی و یارانه ای اقدام کرده، به طور جدی به پیامدها و آثار آن توجه می کنند.

-- فشار مالیاتی: منظور از فشار مالیاتی زیان خالص رفاهی ناشی از وضع مالیات است. فشار مالیاتی یا بار مالیاتی و زیان مالیاتی به صورت مترادف به کار می رود.

-- تعلق مالیاتی: مفهوم تعلق مالیاتی این است که پرداخت کننده نهایی و واقعی مالیات کیست.

-- اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی: اجتناب مالیاتی استفاده از ترتیبات قانونی برای عدم پرداخت بخشی از مالیات است اما فرار مالیاتی اقداماتی غیر قانونی برای پرداخت مالیات کمتر محسوب می شود.

-- مواردی از فرار و اجتناب مالیاتی: در اجتناب مالیاتی معمولاً شخص حقیقی یا حقوقی، فعالیت پر مالیات را با فعالیت کم مالیات جایگزین می کند. مثلاً در ایران، بهره پول قرض داده شده مشمول مالیات نیست ولی سود حاصل از بورس سهام مشمول مالیات است. این واقعیت - با فرض ثبات سایر شرایط - می تواند فعالیت مولد مشارکت در بورس را کاهش دهد و استفاده از پول را در معاملات بهره دار تشویق کند. فرار مالیاتی از خصلت های نظام مالیاتی ناکارآمد است.

۶-۳- اهداف و اصول مالیات

۶-۳- اهداف ها و وظیفه های مالیات

مالیات از اهداف درآمدی، توزیعی، تثبیتی و تخصیصی برخوردار است.

-- هدف و وظیفه درآمدی: فروش منابع و مواد خام- مانند نفت- و استقراض، راههای جایگزین مالیات هستند. منابعی مثل نفت به همه نسل ها و از جمله نسل های آینده تعلق دارند و نباید صرفا توسط نسل فعلی مصرف شوند. استقراض نیز ایجاد نوعی بدهی برای دولت است که در هر حال باید پرداخت گردد و دولت ممکن است برای پرداخت مذکور به ناچار مالیات جدیدی وضع کند که تحمیل هزینه جدیدی بر دوش شهروندان بوده، کار ساده ای نیست. از این رو مالیات بهترین راه تأمین هزینه های دولت است.

-- هدف و وظیفه توزیعی: از صاحبان درآمدها و ثروت های بالا، مقداری مالیات گرفته می شود و برای حمایت از فقیران و کم درآمدها، هزینه می شود که این امر می تواند زمینه توزیع عادلانه درآمدها و ثروت ها را نیز فراهم کند.

-- هدف و وظیفه تثبیتی: می توان مالیات برای هدف گذاری تثبیتی را برای حل و فصل نوسانات اقتصادی به کاربرد. به عنوان مثال در شرایط تورمی، افزایش نرخ مالیات می تواند باعث کاهش درآمد خانوارها و در نتیجه کاهش مصرف شود که آن نیز از طریق کاهش تقاضای کل و کاهش قیمت ها باعث حل و فصل بخشی از مشکل تورم می گردد. یا بر عکس در شرایط رکود که نیاز به افزایش تقاضا- جهت رونق فعالیت اقتصادی- است، کاهش نرخ مالیاتی می تواند باعث افزایش مصرف و تقاضای کل و در نهایت ایجاد تحرک در فعالیت اقتصادی از رکود شود.

-- وظیفه تخصیصی: مالیات می تواند همچنین در مواردی بر تخصیص منابع اثر بگذارد، به گونه ای که منابع را از مصرف یا تولید برخی کالاها آزاد ساخته به موارد دیگر اختصاص دهد. کاربرد مالیات برای کاهش مصرف کالاها، مانند سیگار و مشروبات الکلی و غیر الکلی در بسیاری از کشورها در این راستا است. کاربرد مالیات برای کاستن از تولید کالاها، مشمول پیامد منفی و اعطای سوبسید - و یا اتخاذ سیاست معافیت مالیاتی - به تولید کنندگان کالاها، و دیگر کالاها و خدمات مورد نیاز از دیگر کارکردهای تخصیصی مالیات است.

۶-۳-۲- اصول مالیاتی

در نظام های مالیاتی چند قاعده کلی مورد توجه است که بطور معمول به عنوان اصول مالیاتی از آنها یاد می شود. اینها عبارتند از: کارآمدی، ساده بودن، اقتصادی بودن و عادلانه بودن مالیات.

-- کارآمدی مالیات: بر اساس اصول کارآمدی گرفتن و استفاده از مالیات باعث افزایش رفاه عمومی و کارایی می شود. به عنوان مثال مالیات می تواند پیامدهای منفی را کاهش دهد. دولت به دنبال آن نوع تخصیص منابع است که به حداکثر رفاه اقتصادی منجر شود. این موضوع در قالب کارایی تخصیص و یا تخصیص در شرایط بهینه اول مطرح می شود.

-- کارآمدی و بهینه اول: بهینه اول زمانی محقق می شود که هیچ نوع انحراف از کارایی پارتویی صورت نگیرد. از این رو وقتی به تصحیح تمام ناکارآمدی های بازار اقدام می شود، زمینه برای بهینه اول فراهم می

شود. در بهینه اول یا پارتویی، فرض می شود که برای همه کالاها بازار وجود دارد، هزینه های فردی و اجتماعی و منافع فردی و اجتماعی برابر هستند و همه تمایل دارند در مقابل استفاده از کالاها و خدمات، قیمت مربوط به آنها را بپردازند. همچنین وجود بازار رقابتی، اطلاعات کامل و بدون هزینه و فقدان پیامدهای جانبی از دیگر شرایط لازم برای حصول به وضع پارتویی هستند. حال اگر برخی شرایط محقق نشوند زمینه تحقق بهینه دوم فراهم می گردد.

-- زمینه های ناکارآمدی: زمانی که انحصارات حاکم باشند، قیمت وضع شده توسط آنها بالاتر از هزینه نهایی است. یا زمانی که کالای مشمول پیامد وجود دارد، هزینه فردی و اجتماعی برابر نیست. همچنین در مورد تأمین هزینه کالای عمومی تمایل پرداخت وجود نداشته و سواری مجانی موجود است. اینها زمینه های شکست بازار هستند که اگر دولت از طریق مالیات، آنها را حل و فصل کند، ابزار مالیات کارآمد خواهد بود.

در ضمن گرفتن مالیات نباید انگیزه کار و یا انگیزه پس انداز، سرمایه گذاری و تولید را کاهش دهد.

-- ساده بودن مالیات: به معنای آن است که هم کارکنان مالیات و هم پرداخت کنندگان آن به راحتی موضوع را درک می کنند، که این خود در راستای افزایش کارایی فنی است، اگر منطق بر کارایی منطقی نباشد.

-- اقتصادی بودن مالیات: براساس این اصل، ساختار مالیاتی باید چنان باشد که هزینه جمع آوری و اداره امور مالیاتی نسبت به کل منافع و بازدهی مالیات مربوطه، رقم کوچکی باشد به نظر می رسد ساده بودن نظام مالیاتی با کم هزینه بودن آن را بتوان به اقتصادی بودن آن پیوند داد. در ضمن، اصل اقتصادی بودن نظام مالیاتی هم در مورد بخش خصوصی و مالیات دهنده معنا دار است و هم با دستگاه دولتی مرتبط است.

-- عادلانه بودن مالیات: دو مفاد کلی و دو ضابطه از عادلانه بودن مالیات وجود دارد. مفادها عدالت افقی و عدالت عمودی هستند. در عدالت افقی، از درآمدهای مشابه، مالیات های مشابه اخذ می شود. عدالت عمودی به مفهوم گرفتن مالیات بیشتر از صاحبان درآمد یا ثروت بیشتر است .

۶-۴- انواع مالیات، نرخ ها و ساختارهای مالیاتی

۶-۴-۱ دسته بندی مالیات بر اساس پایه مالیاتی

مالیاتها را می توان از جنبه های مختلف دسته بندی کرد. گاهی مالیات را بر اساس اینکه به طور مستقیم از درآمد، ثروت یا مانند آن کسر می شود یا بر کالا وضع می شود، به مالیات مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می کنند. مالیات مستقیم بطور مستقیم بر درآمد و ثروت اثر می گذارد. مالیات بر حقوق و دستمزد. مالیات بر سود شرکتها، مالیات بر ثروت، عوارض اتومبیل، عوارض گمرکی مربوط به خروج از کشور و یا عوارض واردات و صادرات از این نمونه است. اما مالیات بر سیگار و نوشابه در ایران) و سیگار و مشروبات الکلی در سایر کشورها(به طور غیر مستقیم وضع می شود. زیرا مصرف کننده متوجه پرداخت مالیات نمی شود، اما خرید کالای یاد شده به طور غیر مستقیم بر درآمد وی تأثیر می گذارد.

-- گستره مالیات بر اساس پایه مالیاتی: وقتی مالیات بر اساس پایه مالیاتی تقسیم می شود، تعداد زیادی زمینه مالیاتی به وجود می آید. از این رو می توان به عنوان نمونه به مالیات بر مصرف، مالیات بر ثروت و سرمایه، مالیات بر سود، مالیات بر فروش، مالیات بر ارث، مالیات بر املاک و مستغلات، مالیات بر اوراق بهادار و مالیات بر ارزش افزوده اشاره کرد. همچنین مالیات سرانه به ازای هر عضو جامعه و خانواده اخذ می گردد. مالیات بر منافع سرمایه به صورت بخشی از بازده سرمایه گرفته می شود. مالیات انتقال هنگام انتقال دارایی گرفته می شود.

-- مالیات بر ارزش افزوده: این نوعی مالیات بر مصرف است فروش کالا از مصرف کننده دریافت می گردد

مصرف کننده یک بخاری برقی را خریداری می کند که بر چسب ۲۰ دلار دارد فروشنده رسیده ۲۵ دلاری تحویل می دهد وقتی مصرف کننده علت را سوال می کند جواب می شنود که ۵ دلار مربوط به ۲۵ درصد مالیات ارزش افزوده است. با وجود دولت منضبط و ثبات سایر شرایط، مالیات بر ارزش افزوده می تواند علاوه بر تأمین هزینه دولت نوعی انضباط مصرفی را هم به همراه داشته باشد .

۶-۴-۲- مالیات بر اساس ساختارهای مالیاتی

مالیات مقطوع: ساختار مالیاتی به گونه ای است که مالیات وضع شده ثابت است و ارتباطی با هیچ نوع پایه مالیاتی ندارد. به این مالیات، مالیات مقطوع گفته می شود .

مالیات بر واحد فروش: به این معنا که هر واحد کالای تولیدی، مشمول مالیات می گردد. در برخی موارد مالیات بر ارزش وضع می گردد، به این نحو که درصدی از ارزش فروش به عنوان مالیات گرفته می شود . مالیات اختصاصی: نیز مالیاتی است که مسیر هزینه آن مشخص است. به عنوان مثال مالیاتی که از فعالیت بلیت های بخت آزمایی در کشورهای پیشرفته حاصل می گردد، صرف کمک به فقیران، تقویت ورزش و مانند آن می شود.

۶-۴-۳- دسته بندی مالیات بر اساس نرخ های مالیاتی

۱- مالیات مالیاتی نسبی: به صورت درصدی از پایه مالیاتی تعریف می شود. به عنوان مثال مالیات بر حق التدریس دریافتی اساتید دانشگاه در ایران نسبی است و ده درصد از حق التدریس به عنوان مالیات کسر می شود مالیات تصاعدی:

۲- مالیات تصاعدی: آن است که نرخ مالیات به همراه افزایش پایه مالیاتی، افزایش می یابد به عنوان مثال مالیات بر حقوق تا ۱۵۰۰ صفر درصد است و بین ۱۵۰۰ تا ۲۵۰۰ دلار ۷ درصد است. بین ۲۵۰۰ تا ۵۰۰۰ دلار ۱۴ درصد و مانند آن. مالیات وضع شده بر دستمزد حقوق بگیران دولت از این نوع است.

۳- مالیات تنزلی: در مالیات تنزلی برعکس تصاعدی، نرخ مالیات به همراه افزایش پایه مالیاتی، کاهش می یابد . مالیات تنزلی:

این نوع مالیات به صورت غیر مستقیم و یا برای تشویق فعالیت خاصی وضع می شود .

-- نرخ متوسط مالیات: نسبت کل مالیات پرداختی به کل درآمد- یا هر پایه دیگر مالیاتی - است. مثلا شخصی که ۲۵۰۰ دلار حقوق ماهیانه دارد در صورتی که ماهیانه ۱۲۵ دلار مالیات بپردازد، نرخ متوسط مالیاتی بر او ۵ درصد) $100 * 125$ خواهد بود.

2500

-- نرخ نهایی مالیات: نسبت تغییرات مالیات به تغییرات درآمد است.

نرخ نهایی مالیات نرخى است که خانوارها و بنگاهها از افزایش درآمدشان می پردازند. فرض کنید طبق قانون، افراد می توانند از ۱۵۰۰ دلار معافیت مالیاتی برخوردار باشند، یعنی حقوق و دستمزد تا ۱۵۰۰ دلار مشمول

پرداخت مالیات نیست. اما به ۱۵۰۰ تا ۱۶۰۰ دلار درآمد ۱۰ درصد مالیات تعلق گیرد. حال شخصی که ۱۶۰۰ دلار حقوق می گیرد، تنها مالیات همان ۱۰۰ دلار اضافه حقوق را خواهد پرداخت که ۱۰ دلار است. در نتیجه نرخ نهایی مالیات برابر با ۱۰ درصد

$$(10 = 100 * \frac{125}{1600}) \text{ خواهد بود.}$$

1600-

درآمد مالیاتی) درصدی از تولید ناخالص کشورهای پیشرفته

۶-۵- مقایسه سیستمهای مالیاتی و جمع بندی

۶-۵-۱- مقایسه میزان مالیات

کشورهایی که در تلاش برای استقرار یک نظام کارآمد هستند اخذ مالیات را به عنوان راه حل بلند مدت تأمین هزینه های دولتی را در نظر گرفته و نظام مالیاتی متناسبی را طراحی می کنند. جدول یاد شده مقایسه مالیاتها را بین کشور انگلستان از یک طرف و میانگین مربوط به کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی از سوی دیگر نشان می دهد. همچنین میانگین درصد مالیات از کل تولید ناخالص داخلی کشورهای اروپایی عضو سازمان یاد شده) OECD اروپایی (را نیز با مالیات در بریتانیا و در کل کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی مقایسه کرده است.

فصل ۷:

تجزیه و تحلیل آثار و پیامدهای اقتصادی مالیات و یارانه

۷-۱- تاثیر مالیات و یارانه بر تولید، قیمت و عرضه نیروی کار

الف- تاثیر مالیات بر واحد فروش ب- تاثیر سوبسید بر

واحد فروش ج- تاثیر مالیات بر عرضه نیروی کار الف-

تاثیر مالیات بر واحد فروش

اعمال مالیات بر واحد فروش به این صورت است که مقداری مالیات به ازای هر واحد کالا اخذ می گردد. در این صورت میتوان مالیات را اعم بر واحد تولید و عرضه وضع نمود و هم آن را در ارتباط با واحد مصرف اعمال کرد. در نتیجه گاهی آن نوع مالیات را مالیات بر فروش و یا مالیات بر مصرف نیز میگویند.

فرض میکنیم عرضه و تقاضا، حالت معمولی و عادی دارند. در اینجا منظور ما از وضع عادی این است که شیب منحنی های عرضه و تقاضا برای کالای مورد نظر که قرار است مشمول مالیات واقع شود بین صفر و بی نهایت میباشد و نموداری مشابه ۷-۱ در مورد آنها صدق میکند ، که در آن P قیمت تعادلی قبل از اعمال مالیات Q مقدار تعادلی بازار است.

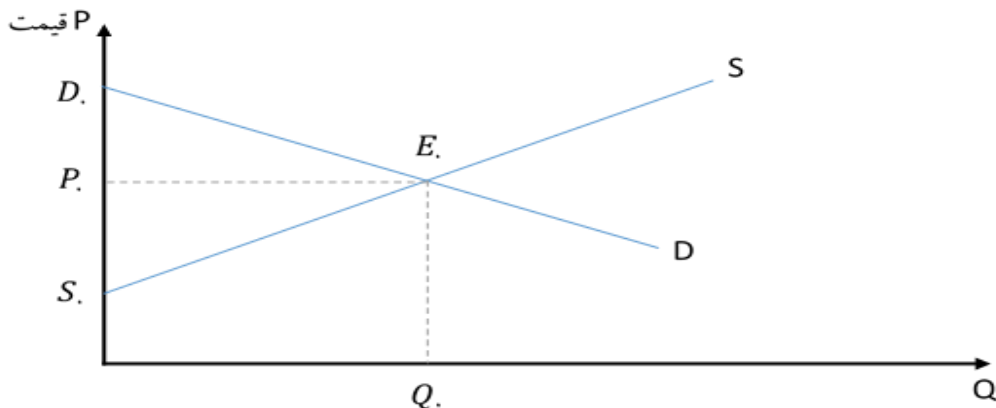
نمودار ۷-۱ منحنیهای عرضه و تقاضای عادی قبل از اعمال مالیات

مساحت مثلث $P_0 E_0 D_0$ به مازاد رفاه مصرف کننده معروف میباشد ،

مساحت مثلث $P_0 E_0 S_0$ مازاد رفاه تولید کننده مساحت مثلث

$S_0 E_0 D_0$ رفاه کل نام دارد .

بدیهی است هر نوع سیاستی که هر یک از این مناطق را کم و زیاد نماید، باعث تغییر رفاه کل جامعه خواهد شد. اصولاً زیر منحنی تقاضا، منطقه ارزشدهی و ارزشگذاری رفاهی مصرف کننده میباشد . زیرا در آن تمایلات مورد نظرش با توجه به قیمتهای بازار و کالاهای مورد نیاز تحقق یافته است. همچنین مناطق بالای منحنی عرضه نیز منطقه رفاه و کارآیی تولید کننده است، زیرا وی نیز در آن منطقه حداقل هزینه لازم مورد درخواست خود را برای ارائه کالاها دریافت نموده است. بنابراین در شرایط مذکور نقطه تعادل در نمودار ۱-۷ به نحوی بیانگر بالاترین رفاه و کارآیی برای تولید کننده و مصرف کننده میباشد.



نمودار ۱-۷ م ن ح ن ی ه ای عرض ه و ت ق ا ض ای ع ا د ی ق ب ل ا ز ا ع م ا ل م ا ل ی ا ت

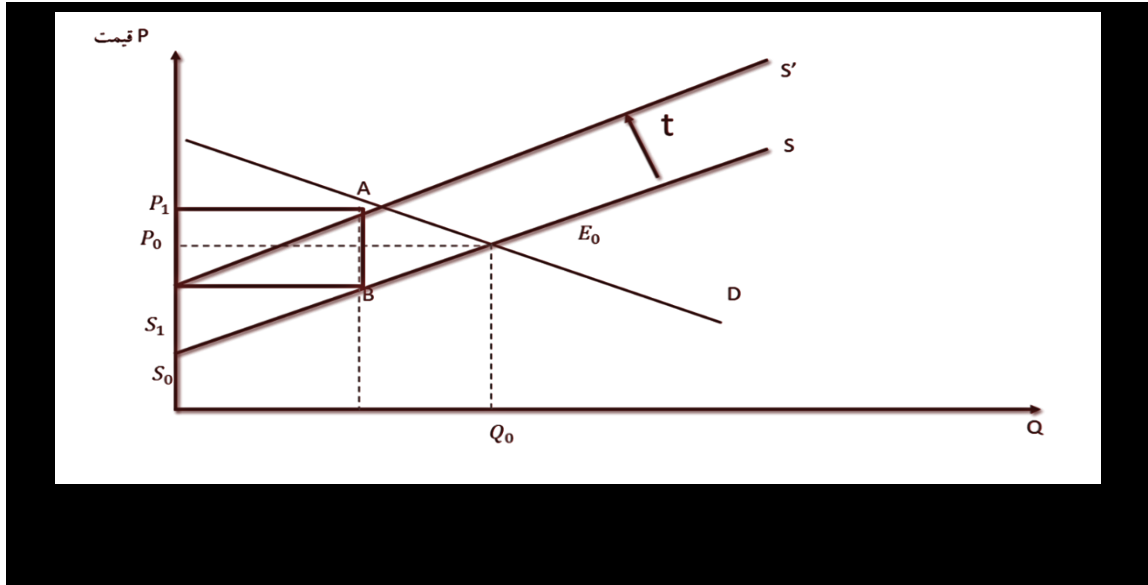
تحلیل اجرای مالیات حال فرض میکنیم دولت در نظر دارد برای هر واحد از فروش کالای مورد نظر t واحد، مثلاً یک دلار، مالیات وضع نماید بدیهی است مالیات مذکور به نحوی هزینه تولید و یا فروش را افزایش میدهد. زمانی که هزینه افزایش پیدا کند با فرض ثبات سایر چیزها عرضه کاهش پیدا میکند. انتقال منحنی عرضه به سمت چپ SS در نمودار ۲-۷ در این رابطه است در نتیجه وضع مالیات به اندازه مساحت چهار ضلعی $ppAB$ از رفاه کل کسر میشود که مقدار چهار ضلعی $ppAF$ سهم کسر شده از رفاه مصرف کننده و بقیه مربوط به تولید کننده است.

در ضمن قیمت کالاهای مشمول مالیات از $0P$ به $1P$ افزایش یافته است و مقدار عرضه مالیات از $0Q$ به $1Q$ کاهش پیدا کرده است. این نیز تصویر دیگری از کاهش رفاه مصرف کننده میباشد. در عین حال، قیمت دریافتی توسط فروشنده نیز به خاطر پرداخت مالیات از $0P$ به $2P$ کاهش یافته است.

ملاحظه میشود که فشار مالیاتی در شرایط عرضه و تقاضای عادی، روی دوش هر دو طرف ، خریدار و فروشنده، سنگینی میکند و این بر خلاف تصور ابتدایی و ظاهری است که گمان میرود فشار مالیاتی را تنها مصرف کننده تحمل میکند.

ضمناً به اندازه مساحت مثلث ABE نیز از رفاه کاسته شده است .

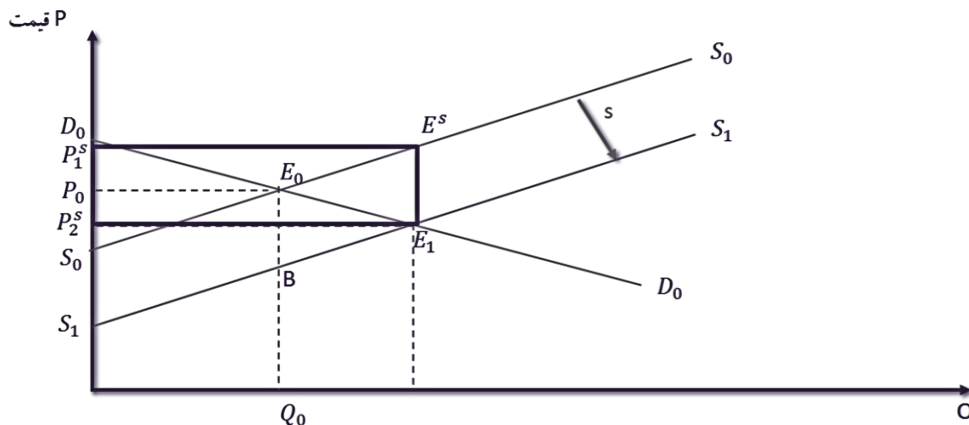
به این مقدار کاهش رفاه « زیان عدم کار آیی » می گویند که ناشی از اخذ مالیات است که این مقدار نه به دولت میرسد و نه به مردم تعلق میگیرد



نمودار ۷-۲ تاثیر مالیات بر واحد فروش روی رفاه مصرف کننده

ب- تاثیر سوپرسید بر واحد فروش

حال فرض کنید که دولت به جای آن که از فروشنده کالای مورد نظر مالیات دریافت کند، بر عکس تمایل داشته باشد (فروشنده آن کالا را) مثلاً به خاطر ضروری بودن (به تولید بیشتر آن تشویق کند. در این صورت دولت ممکن است در مقابل هر واحد تولیدی S ، واحد پولی، مثلاً یک دلار، یارانه به فروشنده بدهد. در اینجا برعکس مالیات بر واحد، فرض یارانه بر واحد را اعمال میکنیم. اعطای یارانه به تولید کننده میتواند به نحوی باعث کاهش هزینه تولید و یا افزایش امکانات تولید گردد و در نتیجه وی با فرض ثبات سایر چیزها مبادرت به گسترش عرضه کالای مورد نظر نماید. ملاحظه میکنید که در قالب نمودار ۳-۷ رفاه کل جامعه به خاطر یارانه افزایش یافته است، زیرا اولاً تولید و فروش گسترش یافته است) Q^0 به Q^1 (در ثانی مصرف کننده که قبلاً P^0 را میپرداخت در حال حاضر قیمت پایینتری میپردازد. زیرا فاصله قیمتی P^1S را دولت به صورت یارانه میپردازد و مصرف کننده، تنها مقدار P^2S از آن را میپردازد. تولید کننده نیز P^1S را دریافت میکند که در مقایسه با P^0 قبل از مالیات بالاتر میباشد.



نمودار ۳-۷ تاثیر یارانه به تولید بر رفاه کل جامعه

مطلب قابل توجه در هر دو مورد یارانه و مالیات، هزینه‌های مربوط به سیاست‌های فوق برای اقتصاد هر کشور است. به این صورت در اخذ مالیات، رفاه کاهش پیدا میکند، قیمت‌ها بالا رفته تولید نیز کاهش مییابد. اما از سوی دیگر اخذ مالیات برای تامین مالی هزینه‌های دولت و تحقق اهداف دیگر مورد نیاز است. بدیهی است در صورتی که دولت به گونهای کارآمد و عادلانه از مالیات جمع‌آوری شده و به نفع کل جامعه استفاده کند، یک سری منافع رفاهی نصیب مردم خواهد شد که میتواند نوعی جبران برای فشار مالیاتی محسوب شود.

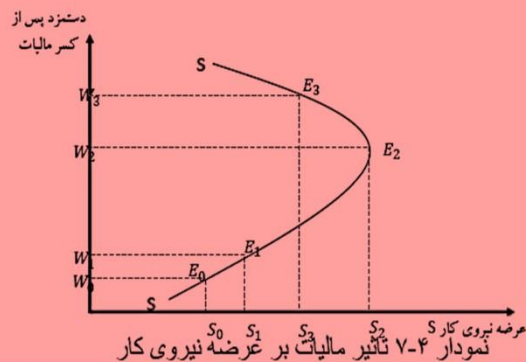
ج-تاثیر مالیات بر عرضه نیروی کار

اصولا نیروی کار یکی از مهمترین نهادهای تولید محسوب میشود که در مقایسه با سایر نهادهها - سرمایه زمین، تکنولوژی و امثال آن- از اهمیت فوق العادهای برخوردار است. حال اگر مالیات باعث تغییراتی در عرضه نیروی کار شود، قهرا تاثیر غیر مستقیم بر بهرهوری و تولید خواهد داشت .

تابع مطلوبیت نیروی کار شامل دو عنصر کار و استراحت یا فراغت است. یعنی نیروی کار با انجام کار، کسب درآمد میکند و این برای وی نوعی رضایتمندی دارد، هرچه درآمد وی بیشتر شود رضایتمندی وی نیز بیشتر خواهد شد. برعکس هرچه استراحت و فراغت وی بیشتر شود، مقدار کار انجام شده کمتر خواهد شد. در عین حال استراحت زمینه افزایش رضایتمندی بیشتر را فراهم میکند.

برخی از مطالعات نشان میدهد که وضع مالیات سنگین بر دستمزد و حقوق میتواند باعث کاهش عرضه گردد. موضوع را در قالب یک نمودار ترسیم میکنیم. در نمودار ۴-۷، S مقدار عرضه نیروی کار و SS منحنی مربوط به آن است.

زمانی که حقوق پس از کسر مالیات به W_0 می‌رسد مقدار S_0 ساعت کار، ارائه می‌شود. وقتی حقوق پس از کسر مالیات به W_1 افزایش می‌یابد، نیروی کار ساعت کار را بیشتر می‌کند و به S_1 و به دنبال آن به S_2 کمی‌رساند. اما از نقطه E_2 به بعد منحنی عرضه حالت برگشت‌پذیر پیدا می‌کند. به این صورت که زمانی که نرخ مایات به گونه‌ای باشد که دستمزد و حقوق پس از کسر مالیات به W_3 برسد، عرضه نیروی کار نه تنها افزایش پیدا نمی‌کند بلکه به سوی نقطه E_3 حرکت کرده و تنها میزان S_3 ساعت کار به بازار ارائه می‌دهد. این امر در صورتی است که فرض شود افزایش نرخ مالیات باعث کاهش ساعت کار می‌گردد. اما معمولاً در درآمدهای پایین روند عرضه صعودی است یعنی با وجود افزایش نرخ مالیات عرضه کاهش پیدا نمی‌کند.



۷-۲- انتقال و وقوع مالیات با توجه به کشش‌ها، بازارها مختلف

مالیات در هر صورت باعث انتقال قسمتی از منابع بخش خصوصی به بخش عمومی می‌گردد. یعنی به زبان ادبیات مالیه عمومی، مالیات حداقل یک بار پولی برای مالیات دهنده به همراهی دارد. موضوع را در سه محور دنبال می‌کنیم.

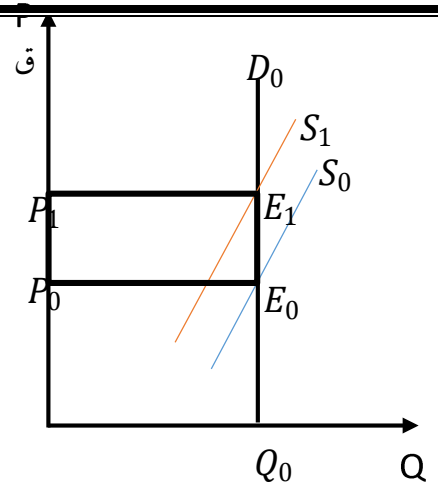
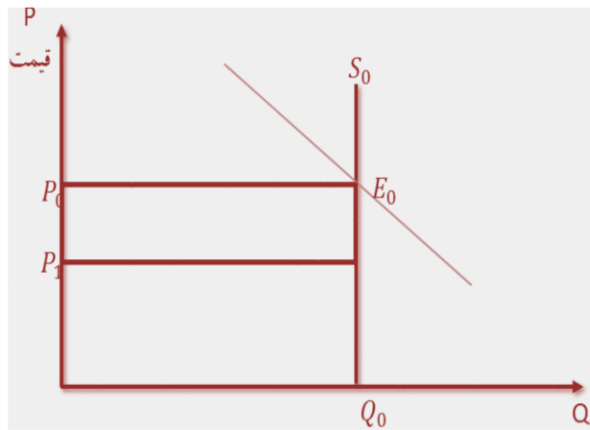
الف- کشف و انتقال مالیات ب-

ساخت بازار و انتقال مالیات ج-

مالیات بر شرکتها

الف- کشف و انتقال مالیات

یکی از مباحث مهم مالیاتی و انتقال مالیاتی در ارتباط با شرکتها و بنگاههای تولیدی و توزیعی میباشد که مالکیت آنها اشتراکی است. شرکتها دارای شخصیت حقوقی هستند که در موارد زیادی از طریق فروش سهام راه اندازی میشوند و صاحبان و مالکان آنها نیز همان سهامداران هستند.



الف - تقاضا کاملاً بی کشش (تحمیل تمام مالیات بر خریدار)

ب (عرضه کاملاً بی کشش) تحمیل تمام مالیات بر فروشنده)

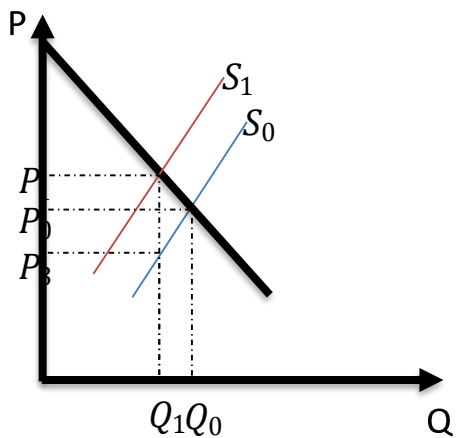
نمودار ۷-۵ تعلق واقعی مالیات در عرضه و تقاضای کاملاً بی کشش

همانطور که ملاحظه می‌کنید در نمودار ۷-۵ الف، مالیات باعث شده قیمت P_0 به P_1 افزایش یابد اما قیمت دریافتی فروشنده (یعنی P_0) قبل و بعد از مالیات ثابت باقی مانده است ولی قیمت پرداختی خریدار از P_0 به P_1 افزایش یافته و در نتیجه تمامی مالیات را متحمل گردیده است. برعکس در نمودار ۷-۵ ب، قیمت پرداختی توسط (P_0) خریدار قبل و بعد از مالیات ثابت مانده است P_0 ، اما فروشنده که قبل از مالیات قیمت P_0 را دریافت می‌کرد پس از مالیات P_1 را دریافت نموده، و لذا وی تمام مالیات را تحمل کرده است.

ساخت بازار و انتقال مالیات

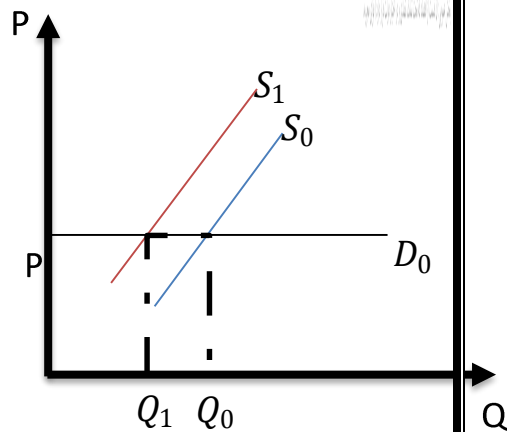
انتقال در بازار

انحصاری



ب- اثر مالیات در بنگاه انحصاری

انتقال در بنگاه رقابتی



الف- اثر مالیات در بنگاههای رقابتی

نمودار ۶-۷ مقایسه انتقال مالیات به مصرف کننده در بنگاههای رقابتی و انحصاری

در نمودار ۶ - ۷ الف، تقاضا کاملا با کشش است و لذا با وجودی که افزایش مالیات باعث کاهش عرضه از 0^S به 1^S گردیده است، اما فشار مالیاتی به مصرف کننده منتقل نگردیده است. وی همان قیمت 0^P را قبل و پس از مالیات به طور یکسان می پردازد. اما همانطور که نمودار ۶ - ۷ ب، نشان میدهد، بنگاه انحصاری می تواند از طریق ابزار قیمت و یا مقدار فروش، مقداری از فشار مالیاتی را به مصرف کننده منتقل نماید. البته در بلند مدت در صورتی که وضع مالیات ادامه می یابد و امکان خروج بنگاه ها از بازار آسان باشد، ممکن است برخی بنگاه ها به خاطر فشار مالیات از صنعت مورد نظر خارج شوند و آن وقت است که احتمال دارد مقداری از مالیات و یا در شرایطی همه آن، به مصرف کننده منتقل گردد.

ج- مالیات بر شرکت ها

یکی از مباحث مهم مالیاتی و انتقال مالیاتی در ارتباط با شرکت ها و بنگاه های تولیدی و توزیعی می باشد که مالکیت آن ها اشتراکی است. شرکتها دارای شخصیت حقوقی هستند که در موارد زیادی از طریق فروش سهام راه اندازی می شوند و صاحبان و مالکان آنها نیز همان سهامداران هستند. یکی از زمینهای معافیت مالیاتی چگونگی محاسبه میزان استهلاک سرمایه است که در ادامه اشاره می شود

محاسبه استهلاک سرمایه

از عناصر مهم و موثر در ایجاد انگیزه برای گسترش سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و انتقال بخشی از مالیات آن‌ها، چگونگی محاسبه استهلاک مربوط به سرمایه آن‌ها می‌باشد.

فرض کنید Q مقدار کل فروش و p قیمت هر واحد باشد، در نتیجه درآمد کل TR یا فروش برابر با PQ خواهد شد. در مورد هزینه‌ها باید توجه داشت که یک رقم قابل توجه، دستمزد نیروی کار است. مثلاً اگر مقدار ساعت کار انجام شده L باشد و برای هر ساعت W تومان حقوق یا دستمزد در نظر گرفته شود، مقدار کل هزینه نیروی کار برای بنگاه WL خواهد شد. رقم دیگر هزینه مربوط به استهلاک سرمایه می‌باشد. اگر حجم سرمایه مستهلک شده را K و قیمت هر واحد آن r باشد مقدار کل هزینه سرمایه rK خواهد شد. اگر فرض کنیم بنگاه مذکور هزینه دیگری ندارد TC هزینه کل آن خواهد بود:

$$TC = wL + rK$$

لذا سود بنگاه Π جهت محاسبه مالیات خواهد بود:

$$\Pi = TR - TC = pQ - wL - rK$$

۲- روش استهلاک ۱۵۰ درصد

۳- روش استهلاک ۲۰۰ درصد

۱- روش استهلاک خط مستقیم:

یک روش مرسوم است که هر سال کسری از ارزش کل سرمایه را بر مبنای طول عمر آن به عنوان استهلاک در نظر می گیرند. اگر عمر یک دارایی سرمایه ای T سال باشد، بنگاه هر سال T / از آن را تحت عنوان هزینه استهلاک به حساب می آورد و قابل کسر کردن از درآمد شرکت می باشد.

مثلا اگر یک کارخانه به ارزش ۴۰۰۰ ریال خریداری شده باشد و عمر این کارخانه ۲۰ سال در نظر گرفته شود، هر سال ۲۰۰ ریال استهلاک منظور می نماید. $\frac{1}{20} \times 4000 = 200$

۲- روش استهلاک ۱۵۰ درصد:

در این روش مشهور با توجه به سالهای عمر سرمایه و قیمت آن میزان استهلاک هر سال محاسبه می گردد در این روش که مبنای محاسبه را روش (خط مستقیم (قرار میگیرد. سال اول ۱۵۰ درصد) ۵/۱ برابر روش یاد شده (را از قیمت کل ارزش سرمایه کسر می شود. با چنین روشی سرعت استهلاک سرمایه بیشتر خواهد بود و یک صرفه جویی در پرداخت مالیات بدنبال دارد

مقایسه روش اول (۵٪) و دوم ۷۵٪

$$\frac{1}{20} \times 4000 = 200$$

روش اول

$$\frac{1.5}{20} \times 4000 = 300$$

میزان استهلاك سال اول برابر است با:

$$4000 - 300 = 3700 \rightarrow \frac{1.5}{20} \times 3700 = 277.5$$

میزان استهلاك سال دوم برابر است با:

۳- روش استهلاك ۲۰۰ درصد: ۲ برابر روش خط مستقیم)

این روش مشابه روش ۱۵۰ درصد می باشد که با این تفاوت که در این روش ۲ برابر روش خط مستقیم در سال اول به عنوان استهلاك در نظر گرفته می شود. . و در سالهای بعد از به روش ۱۵۰ درصد عمل می شود .

$$\frac{2}{20} \times 4000 = 400$$

میزان استهلاك سال اول برابر است با:

$$4000 - 400 = 3600 \quad \frac{1.5}{20} \times 3600 = 270$$

میزان استهلاك سال دوم برابر است با:

۴۰۰۰

این روش باز هم سریعتر سرمایه را مستهلك نموده و صرفه جویی مالیاتی بیشتری نیز خواهد داشت.

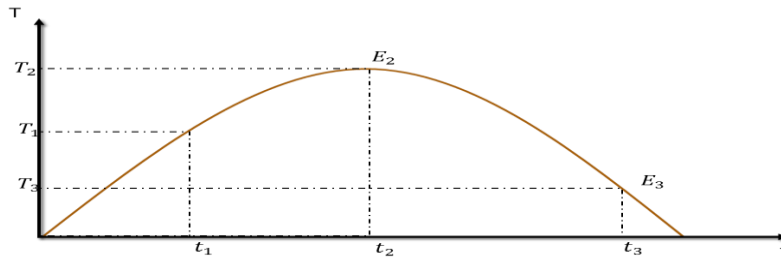
۷-۳- تجارب و دیدگاههای مالیاتی و مباحث تکمیلی

الف-منحنی لفر

ب- مالیات بر مصرف و پسانداز و توزیع بار مالیاتی

ج- ترکیب مالیات، با تاکید بر مالیات مستقیم و غیرمستقیم

منحنی لفر : یکی از مباحث اساسی دیگر در مالیات، توجه به شواهد خارجی در تاثیر اقتصادی مالیات میباشد. در اینکه مالیات میتواند قدری روی انگیزه کار و تولید اثر بگذارد.، **تشریح نمودار منحنی** : در نرخ مالیاتی با افزایش $1t$ نرخ مالیات درآمد مالیاتی نیز افزایش مییابد. این افزایش تا حصول به نرخ $2t$ ادامه دارد. در نرخ مالیاتی $2t$ میزان درآمد دولتی از مالیات به حداکثر مقدار $2T$ میرسد. اما پس از آن هرچه نرخ مالیات افزایش مییابد میزان درآمد دولتی کاهش پیدا میکند. ملاحظه میشود که مثلاً در نرخ مالیاتی $3t$ درآمد دولتی به میزان زیادی کاهش پیدا کرده و به $3T$ میرسد. گفته میشود که علت این امر استفاده از پدیده **اجتناب** مالیاتی توسط مردم میباشد.



نمودار ۷-۷ منحنی آرتور لفر

پیوند مالیات ، مصرف و پس انداز

از دیگر تجارب مالیاتی ارتباط مالیات و یارانه بر مصرف و پسانداز میباشد. بدیهی است که مصرف کمتر در حال حاضر میتواند به معنای پسانداز فعلی و اندوختن ذخیره برای مصرف بیشتر آینده تلقی میشود.

مالیات بر کالای زیان آور: مانند سیکار که افزایش مالیات می تواند به سلامتی کمک کند
 توزیع بار مالیاتی: مناسب است به تجربه توزیع فشار یا بار مالیاتی در یک سری از کشورها نیز اشاره شود
 آمار مربوط به بار مالیاتی کشورهای اروپایی و کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه (OECD) در جدول ۷-۱ ملاحظه میشود: .

جدول شماره ۷-۱ مقایسه فشار مالیاتی در کشورهای پیشرفته

مالیات کل	مالیات بر درآمد شخصی	مالیات بر درآمد شرکتها، درصدی از کل مالیات	مالیات بر تامین اجتماعی، درصدی از کل مالیات	مالیات بر کالاها و خدمات، درصدی از کل مالیات	سایر مالیاتها، درصدی از کل مالیات
مالیات کشور	مالیات بر درآمد شخصی، درصدی از کل مالیات	مالیات بر درآمد شرکتها، درصدی از کل مالیات	مالیات بر تامین اجتماعی، درصدی از کل مالیات	مالیات بر کالاها و خدمات، درصدی از کل مالیات	سایر مالیاتها، درصدی از کل مالیات

مالیات						
۱۱.۶	۳۵.۲	۹.۶-۷.۲	۱۰.۵	۲۵.۹	۳۶.۰	انگلستان
۸.۸	۳۱.۲	۱۶.۳-۱۰.۱	۷.۵	۲۶.۰	۴۲.۲	میانگین کشورهای اروپایی
۱۰.۲	۳۲.۵	۱۴.۵-۷.۸	۸.۲	۲۶.۸	۳۷.۷	میانگین OECD

د- ترکیب مالیات، با تاکید بر مالیات مستقیم و غیرمستقیم

میزان کل مالیات و درصد آن از GDP در هر کشور شاخص قابل توجهی از فرایندهای تصمیم سازی بخش عمومی محسوب میگردد. در عین حال ساختار مالیات و ترکیب مالیات اهمیت مستقلى دارد.

مالیاتهای مستقیم : مالیاتهای مستقیم عمدتاً شامل مالیات بر درآمد، مالیات بر شرکتها و مالیاتهای مربوط به تامین اجتماعی میباشد

غیرمستقیم : مالیاتهای غیرمستقیم شامل مالیات مربوط به ارزش افزوده، مالیات بر کالاهای خاص، مالیات بر نوشابههای الکلی، دخانیات، مالیات بر سوخت و انرژی، مالیات بر سهام، و امثال آن میباشد.

فصل هشتم:

**دو بحث اساسی در مالیه عمومی

تامین اجتماعی قرضه ملی

اثر گذاری مستقیم هر دو مقوله بر روی

عملکرد دولت اقتصاد ملی و رفاه شهروندان

**چارچوب کلی تامین اجتماعی:

ها ، حمایت ها و اقداماتی است که یک دولت برای کاهش عدم اطمینان و مخاطرات موجود اعمال می کند.

**** خصوصی یا دولتی بودن تامین اجتماعی:**

سازمان تامین اجتماعی هم می تواند به صورت دولتی وهم خصوصی فعالیت کنند ، اما در هر حال نقش بخش دولتی کارسازتر است.

گستره فعالیت تامین اجتماعی

• حمایت از خانوارهای بی سرپرست

۱

• کمک بازنشستگی

۲

• بیمه بیکاری

۳

• کمک مربوط به مسکن

۴

****نظارت بر بیمه های خصوصی:**

- بیمه خصوصی در برخی از کشورها از سال ۱۹۷۰ و در برخی دیگر از دهه ۱۹۹۰ راه اندازی گردید.

-اهداف شرکت های خصوصی اغلب به حداکثر رساندن سود است و دولت با نظارت برکارکرد این موسسات به جبران کاهش رفاه مربوطه کمک می کند.

بالا بودن هزینه های تامین اجتماعی:

-در اکثر کشورهای پیشرفته هزینه های مربوط به تامین اجتماعی در حدود ۳۴/۲ درصد از کل هزینه های دولت را شامل می شود.

ضرورت تامین اجتماعی:

- اصولاً همه ابعاد بیمه در چارچوب بازار و در بخش خصوصی قابل حل و فصل نیست و یا بیمه های خصوصی در بعضی موارد کارایی کافی را ندارند و در اینجا نیاز به بخش دولتی و تامین اجتماعی ضرورت پیدا می کند.

پدیده انتخاب نامناسب (کژگزینی) و ضرورت تامین اجتماعی

فرض کنید افراد بخواهند خود را در مقابل فقیر شدن در آینده بیمه کنند:

- افراد متقاضی این طرح معمولاً افراد کم درآمدی هستند که به احتمال زیاد در آینده فقیر خواهند شد.

-

- در طرح های این چنینی بیمه های خصوصی متقاضی حق بیمه سنگین است.

- در ادبیات بیمه به این پدیده ، انتخاب نامناسب یا کژگزینی گویند .

- در اینجا دولت با راه اندازی تامین اجتماعی سعی در تخصیص منابع به صورت کارآمدتر می کند.

**خطرهای اخلاقی و نیاز به تامین اجتماعی

دقیق ادعای بیمه شده نمی کند .

- به علت عدم بررسی دقیق ادعای بیمه شونده معمولا احتمال ارائه گزارش های غیر واقعی از سوی بیمه شده بالاست.

- بخش خصوصی انگیزه ای برای ارائه این نوع بیمه ها ندارد و دولت با ارائه یا نظارت بر مسائل به ارائه این نوع خدمات بیمه می پردازد .

****جمع بندی حضور دولت در بیمه**

- حضور دولت در بیمه برای گسترش رفاه عمومی ضروری است.

- با راه اندازی بیمه همگانی به نحوی مشکل انتخاب نامناسب را حل می کند .

- دولت در حل مساله خطرهای اخلاقی ،از ابزار مناسب تری برای بررسی گزارش های ارائه شده توسط بیمه شونده برخوردار است.

تاثیر تامین اجتماعی بر رفتارهای اقتصادی

- تامین اجتماعی به طور خاص بر روی پس انداز و عرضه نیروی کار تاثیر می گذارد

وجود بیمه اجباری تامین اجتماعی برای افراد و ایجاد امنیت نسبت به آینده باعث تغییر در میزان پس انداز فعلی آنان می گردد. افراد به جهت استفاده از بیمه بیکاری ممکن است زودتر از موعد خود را بازنشسته کنند و این بر روی پس انداز و عرضه کار اثر می گذارد. پدروانی ممکن است قصد داشته باشند جهت آینده فرزندان خود پس انداز بیشتری کنند که وجود تامین اجتماعی بر این رفتار اثرگذار است. تامین اجتماعی از طریق تشویق افراد به فعالیت بیشتر و در نتیجه افزایش عایدات مربوطه باعث افزایش میزان پس انداز افراد و عرضه کار می گردد.

****کلیاتی از بیمه و تامین اجتماعی در ایران**

در ایران از قبل از انقلاب تاکنون سازمان ها و موسسات رفاهی زیادی به شرح ذیل وجود داشته است
****سازمان تامین اجتماعی:**

- سازمان تامین اجتماعی از سال ۱۳۱۰ شمسی فعالیت خود را با نام صندوق حمایت از کارگران آغاز کرد . و در سال ۱۳۵۴ به سازمان تامین اجتماعی معروف گردید.

- بیمه شدگان این سازمان مربوط به دواير دولتی و مشاغل آزاد هستند.

- این سازمان موظف به حمایت های درمانی ، بیمه بیکاری ، پرداخت مستمری بازنشستگی و از کارافتادگی و... در بلند مدت و کوتاه مدت است.

* * سازمان بازنشستگی:

- به طور رسمی از سال ۱۳۱۳ شمسی آغاز به کار کرده است.
- امور مربوط به استخدامی و رفاهی کارمندان دولت را پوشش می دهد

صندوق های بازنشستگی:

- سازمان هایی هستند که در ابتدا از میان موسسات دولتی و یا وابسته به دولت ایجاد شدند.
- برخی از این صندوق ها قبل از انقلاب و برخی بعد از انقلاب تشکیل شدند.
- شرکت بیمه ایران اولین صندوق بازنشستگی را در سال ۱۳۱۴ شمسی تشکیل داد
- صندوق بازنشستگی شرکت نفت (۱۳۲۶) ، (مخابرات) ۱۳۳۴) ، (بانک مرکزی) ۱۳۴۲) ، فولاد و کشتیرانی (۱۳۵۳)

**سازمان بهزیستی:

- این سازمان پس انقلاب و از ادغام چندین موسسه رفاهی موجود در قبل از انقلاب تشکیل گردیده است

- هدف این سازمان حمایت از افراد سالمند و بی سرپرست ، بازپروری معتادین ، حمایت از ناینبان و ناشنوایان

- کمیته امداد:

- کمیته امداد در سال ۱۳۵۷ شمسی تشکیل گردید.

- وظیفه این کمیته کمک به محرومان ، پرداخت مستمری به افراد بالای شصت سال فعالیت های قرض الحسنه و مانند آن می باشد.

نکته : بدیهی است تجمیع فعالیت های موسسات و سازمان های فوق در یک سازمان متمرکز باعث

کاهش هزینه ها و بازدهی بیشتر خواهد بود.

وضعیت و عملکرد سازمان تامین اجتماعی ایران

موجود در بازار بورس و سهام کشور می باشد.

توسعه انسانی

- در سال ۱۹۹۰ میلادی اولین بحث مربوط به توسعه انسانی مطرح شد.
- در ابتدای بحث توسعه انسانی << درآمد سرانه >> به عنوان معیار رفاه و توانمندی انسان ها در جوامع مختلف و شاخص توسعه در مقایسه های بین کشوری در نظر گرفته شد.
- درآمد سرانه از تقسیم میزان تولید ناخالص ملی هر کشور بر جمعیت آن کشور به دست می آید.
- بعدها در دهه ۱۹۹۰ این واقعیت مطرح شد که معیار توسعه انسانی نمی تواند فقط درآمد سرانه باشد و زندگی ابعاد گوناگون تری مانند کسب دانش ، دسترسی به امکانات مادی برای زندگی بهتر و برخورداری از طول عمر همراه با سلامت نیز می باشد.

تلاش عملی برای رفع فقر

- همزمان با بحث توسعه انسانی در سال ۲۰۰۰ میلادی سران کشورها در سازمان ملل متعهد شدند که تا پایان سال ۲۰۱۵ میلادی حداکثر تلاش خود را جهت پایان دادن به فقر انجام دهند.

اجرای برنامه میان مدتی را تا سال ۲۰۰۵ به انجام رساند .

- در سال ۲۰۰۲ در کشور مکزیک کنفرانس تامین سرمایه با حضور گروهی از رهبران کشورهای پیشرفته جهت هماهنگی منابع با اهداف مد نظر تشکیل گردید.

- در کنفرانس تامین انسانی ۸_آرمان) هدف نهایی(، چند هدف مرحله ای) هدف فرعی(، چند شاخص در ارتباط با توسعه انسانی تصویب گردید.

****هشت آرمان توسعه انسانی ، و اهداف مرحله ای آنان**

<p>دارای دو هدف مرحله ای از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۱۵: الف-به نصف رساندن تعداد افرادی که درآمد آنها کمتر از یک دلار در روز باشد . ب- نصف کردن افرادی که از گرسنگی رنج می برند.</p>	<p>(ریشه کنی فقر و گرسنگی</p>
<p>هدف مرحله ای : تا سال ۲۰۱۵ کودکان سراسر دنیا ، دوره ابتدایی را به طور کامل بگذرانند.</p>	<p>دسترسی به آموزش ابتدایی رایگان</p>
<p>هدف مرحله ای : نابرابری زن و مرد در تمام سطوح آموزشی تا قبل از سال ۲۰۱۵ از بین برود.</p>	<p>ارتقای برابری زن و مرد</p>

<p>زیر ۵ سال حدود ۶۶ درصد کاهش یابد.</p>	
<p>نرخ مرگ و میر مادران حدود ۷۵ درصد کاهش یابد</p>	<p>بهبود بهداشت مادران</p>
<p>هدف مرحله ای : تا سال ۲۰۱۵ گسترش انواع بیماری ها متوقف گردد.</p>	<p>مبارزه با انواع بیماریها (ایدز ، مالاریا)</p>
<p>اهداف مرحله ای :</p>	<p>ایجاد محیط زیست پایدار</p>
<p>الف - تجمیع اصول و سیاست های توسعه پایدار به منظور حفظ منابع زیست محیطی ، ب - نصف شدن تعداد افرادی که به آب سالم ندارند . ج- تا سال ۲۰۲۰ زندگی ۱۰۰ میلیون نفری که در محله های آلوده زندگی می کنند بهبود یابد.</p>	

گسترش مشارکت جهانی برای توسعه

اهداف مرحله ای :

الف - گسترش نظام مالی و تجاری باز ولی قانونمند و قابل پیش بینی و غیر تبعیض آمیز

ب - اقدام برای حل دشواری های کشورهای بدهکار ج

- همکاری با کشورهای در حال توسعه برای اشتغال

جوانان د - همکاری با شرکت های دارویی برای دسترسی

همه به داروهای اساسی

ه - در نظر گرفتن نیازهای کم توسعه یافته ترین کشورها

و کشورهای کوچک

*شاخص های توسعه انسانی

برای رسیدن به اهداف مربوط به توسعه انسانی نزدیک به ۸۱ شاخص تعریف شده است که در زیر به تعدادی از آنان اشاره می گردد:

نسبت جمعیت با درآمد یک دلار در روز

نسبت شکاف فقر

سهم ۲۰ درصد از فقیرترین افراد از مصرف کل کشورها

درصد دانش آموزانی که به کلاس پنجم ابتدایی رسیدند

درصد کودکان زیر ۵ سال دچار کم وزنی

نرخ افراد باسواد ۱۵ تا ۲۴ ساله

نرخ مرگ و میر مادران

درصد جمعیت برخوردار از مسکن

تعداد خط تلفن برای هر هزار نفر و سرانجام آن

نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ تا ۲۱ سال

****عملکرد شاخص توسعه انسانی در کشورهای مختلف در سال ۲۰۱۴:**

رتبه بندی ده کشور اول براساس شاخص های توسعه انسانی ، لازم به

ذکر است ایران در بین ۱۸۶ کشور در رتبه ۱۱۸ قرار دارد.

کشور	رتبه	کشور	رتبه	کشور	رتبه	کشور	رتبه	کشور	رتبه
نروژ	۱	استرالیا	۲	سوئد	۳	هلند	۴	آلمان	۵
ایرلند	۶	سوئیس	۷	ایسلند	۸	دانمارک	۹	اسلونی	۱۰
فنلاند	۱۱	اتریش	۱۲	کانادا	۱۳	چک	۱۴	بلژیک	۱۵
آمریکا	۱۶	لوکزامبورگ	۱۷	فرانسه	۱۸	انگلیس	۱۹	اسپانیا	۲۰

*قرضه ملی

به مجموعه بدهی دولت که جهت تامین کسری بودجه و یا تامین دیگر هزینه ها از بانک و یا مردم ، در داخل یا خارج صورت می گیرد <<قرضه ملی >> گفته می شود.

* توجیه استقراض

- استقراض در صورتی توجیه اقتصادی دارد که منفعت حاصل از آن بیش از هزینههای مربوط به آن باشد.

در مواردی که دولت در وضع اضطرار قرار دارد استقراض به میزان کم و از نوع کم هزینه آن قابل قبول خواهد بود.

- حساسیت استقراض بخش خصوصی به اندازه بخش دولتی نیست ، زیرا بدهی دولتی بر کل اقتصاد اثرگذار است.

❖ منابع تامین قرضه ملی و مقایسه آثار آنها

- دولت برای تامین مالی بدهکاری های خود سه راه پیش رو دارد:

وضع مالیات جدید	در صورت امکان اخذ مالیات جدید و عدم بوجود آمدن آثار منفی، توصیه می شود بدهی دولت از این راه تامین گردد.
فروش منابع طبیعی	تامین مالی بدهی از طریق فروش منابع طبیعی (نفت) که ضد توسعه پایدار است و یا تامین مالی بدهی از طریق استفاده از صندوق ذخیره دارایی که این روش نیز فقط در زمان اضطرار توجیه دارد

سه نوع استقراض وجود دارد: الف - استقراض از مردم
ب - استقراض از بانک مرکزی ج - استقراض از خارج

الف - استقراض از مردم

- از لحاظ اقتصادی و ملی بهترین نوع شیوه استقراض می باشد.

- این کار از طریق فروش اوراق قرضه دولتی به مردم صورت می گیرد.

- با آنکه باعث افزایش تعهد مالی دولت نسبت به مردم می گردد ، اما منفعت استقراض و بهره پول به مردم بازگردانده می شود.

- در واقع بخشی از قدرت خرید مردم به بخش دولتی منتقل می گردد و تاثیر مساله آفرینی بر اقتصاد نخواهد داشت.

ب - استقراض از بانک مرکزی

- این نوع استقراض در واقع به معنای چاپ پول جدید از طریق بانک مرکزی است.

- صاحب نظران اقتصادی با این روش مخالف هستند زیرا چاپ پول آسان بوده و باعث گسترش تقاضای

کل خواهد شد و در عوض ایجاد تولید و عرضه کالا جدید زمان بر خواهد بود در نتیجه باعث افزایش

قیمت ها و تورم خواهد شد.

ج - استقراض از خارج

- توجیه این نوع استقراض زمانی قابل قبول است که منفعت آن از هزینه هایش بیشتر باشد چون این استقراض علاوه بر پیامدهای اقتصادی پیامدهای سیاسی و اجتماعی نیز دارد .
- در کشورهای پیشرفته در صورت استقراض خارجی ، با توجه به سیستم اقتصادی کارآمدی که دارند معمولا منفعت آنان بیشتر از هزینه ها است.
- در کشورهای توسعه نیافته مجموع هزینه ها و زیان های بلند مدت و کوتاه مدت استقراض خارجی بیشتر از منفعت آن است.

*سیاست طرف عرضه

- تا دهه ۱۹۷۰ بدهکاری دولت امری عادی تلقی می گردید.
- از میانه دهه ۱۹۷۰ آثار تورمی سیاست مدیریت تقاضا به صورتی جدی بروز کرد.
- در نتیجه نقش کسری بودجه از عنصر محرک تقاضا به صورت عنصر محرک عرضه درآمد .
- استراتژی طرف عرضه بر کنترل تورم و گسترش تولید است و بدهکاری بخش عمومی تنها در صورت تقویت کسب و کار بدون تحمیل تورم قابل توجیه می دانستند .

*منشاء استقراض دولتی و کاربرد آن

- بدهی دولتی می تواند توسط دولت مرکزی ، دولت محلی و یا شرکت ها و موسسات وابسته ایجاد شود.

- توصیه این است که بدهی بخش دولتی ، در امور عمرانی و زیرساختی به کار رود.

- گاهی اجرا یا عدم اجرای سیاست بدهی به انگیزه دولتمردان برای پیروزی در انتخابات ارتباط پیدا می کند و می تواند موجب کسب و کار از نوع سیاسی شود.

*استقراض و تاثیر آن بر دیگر نسل ها

- دولت در زمان استقراض ممکن است فشاری احساس نکرده و احساس رضایت کند و بازپرداخت بدهی در سال های آینده بر مردم دیگر نسل ها فشار وارد می کند.

*بدهی عمومی و بدهی خارجی

- بدهی عمومی یا قرضه ملی در واقع میزان استقراض و یا اعتبار و تعهد ایجاد شده توسط دولت و بخش عمومی است.

- بدهی خارجی ، مجموعه بدهی و استقراض ایجاد شده توسط دولت و دیگر شهروندان کشور مورد نظر می باشد.

*مقایسه بدهی کشورهای پیشرفته و کشورهای توسعه نیافته

- بدهی دولت های پیشرفته با توجه به ظرفیت اقتصادی مناسب ، به طور عادی با رشد و بهره وری بالا همراه است.

- بدهی کشورهای ضعیف نوعی علامت منفی از روند اقتصاد کلان است.

- بدهی اغلب کشورهای پیشرفته به مردم کشور خودشان است .

- بخش خصوصی در کشورهای پیشرفته هر چه بیشتر بدهکار باشند نشانه آن است بهره وری بیشتری دارند .

جدول (۸۳) نسبت بدهی عمومی کشورها از تولید ناخالص (۲۰۱۴)

کشور	درصد از GDP	کشور	درصد از GDP	کشور	درصد از GDP	کشور	درصد از GDP	کشور	درصد از GDP
الجزیره	۹/۱	آنگولا	۱۷/۲	آرژانتین	۴۱/۵	استرالیا	۲۵/۵	آذربایجان	۵/۴
بحرین	۵۶	بنگلادش	۳۲	بلاروس	۳۰	بولیوی	۳۳	برزیل	۵۵
چاد	۳۷	شیلی	۱۱	چین	۳۲	کاستاریکا	۴۸	کوبا	۳۶
چک	۴۴	اکوادور	۲۴	استونی	۸	فنلاند	۵۳	گرجستان	۳۷
غنا	۴۸	گواتمالا	۳۰	گویان	۶۷	هنگ کنگ	۳۰	مجارستان	۷۹
ایسلند	۱۱۹	اندونزی	۲۵	ایرلند	۱۱۸	جامائیکا	۱۲۸	ژاپن	۲۱۴
اردن	۷۵	کنیا	۵۰	کویت	۷/۵	لبنان	۱۲۷	لوکزامبورگ	۱۹
مالزی	۵۴	مکزیک	۳۶	مراکش	۷۲	هلند	۶۹	نیوزیلند	۴۲
نیجریه	۱۸	نروژ	۳۱	پاکستان	۵۱	پرو	۱۹	لهستان	۵۴
پرتغال	۱۲۳	قطر	۳۳	رومانی	۳۸	روسیه	۱۳	عربستان	۱۳
سنگاپور	۱۱۲	آفریقای جنوبی	۴۴	سری لانکا	۸۲	سوند	۳۷	تایوان	۳۶
تایلند	۴۴	تونس	۵۳	امارات	۴۱	انگلستان	۸۹	آمریکا	۷۴

جدول ۵-۸ نسبت بدهی خارجی کشورها از تولید ناخالص (۲۰۱۴)

کشور	درصد از GDP	کشور	درصد از GDP	کشور	درصد از GDP	کشور	درصد از GDP	کشور	درصد از GDP	کشور	درصد از GDP
جزایر مارشال	۵۴	فیجی	۵	ترکمنستان	۲۲	آفریقای مرکزی	۶۸	لستو	۳۰	سیرالئون	۶۱
مالدیو	۵۰	اریتره	۵۸	مالاوی	۲۴	گینه	۴۲	افغانستان	۲۲	نیجر	۷۹
مالی	۸۸	تاجیکستان	۳۵	موریتانی	۵۹	قرقیزستان	۸۱	موزامبیک	۵۰	هندوراس	۲۳
نیکاراگوئه	۶۲	لائوس	۹۱	ارمنستان	۵۶	زیمبابوه	۱۰۳	کنگو	۱۲۲	گرجستان	۷۷
بسنی	۴۸	کنیا	۲۵	تانزانیا	۳۳	اروگوئه	۳۳	پاناما	۵۲	جامائیکا	۹۲
گواتمالا	۴۲	آنگولا	۲۱	اکوادور	۲۵	کوبا	۳۴	سريلانکا	۳۶	تونس	۴۲
بحرین	۶۵	استونی	۹۸	کویت	۴۳	مراکش	۲۲	لیتوانی	۸۰	لبنان	۸۷

*بررسی بدهی عمومی در ایران

-گزارش مدیریت ۹۱-۸۴ ایران ، کل بدهی خارجی را ۴ درصد تولید ناخالص نشان می دهد . که باید چند نکته را در این خصوص در نظر گرفت

آمارهای مدیریت مربوطه قابل اعتماد نیست .

بی کیفیتی مدیریت مربوطه باعث انزوای ایران و کاهش شدید سرمایه گذاری خارجی و داخلی در کشور شد.

اقتصاد بسته در این دوره باعث عدم ارتباط با خارج و ناتوانی در جذب سرمایه دار خارجی شد.

درآمد بالای نفت در این دوره می تواند عامل دیگر پایین بودن بدهی خارجی باشد.

*تعدیل اقتصادی و بخش خصوصی

- تعدیل اقتصادی: تعدیل اقتصادی و خصوصی سازی به طور کلی به معنای تحولی آرام و منطقی در عقلایی کردن قدرت تملک و تخصیص گری بخش های دولتی و خصوصی است.
- واگذاری برخی از فعالیت ها و موسسات تحت تملک دولت به بخش خصوصی و آزادسازی قیمت برخی از کالاها از محورهای تعدیل اقتصادی است.
- از دهه ۱۹۸۰ به بعد خصوصی سازی در نظام اقتصادی به طور جدی مطرح شد .
- فروپاشی بلوک شرق و اقتصاد متمرکز و بحث مقایسه کارآیی بخش دولتی و خصوصی از دلایل جدی تر مطرح شدن بحث خصوصی سازی بود.

*تعدیل ساختاری

- تعدیل ساختاری مبتنی بر یک سری باورهای ایدئولوژیک است که با نئولیبرالیسم (یک پارادایم خاص از نظام سرمایه داری) سازگاری دارد . سرمایه داری پارادایم های مختلفی دارد که نئولیبرالیسم یک پارادایم آن است.

*ابعاد مختلف تعدیل ساختاری

-

- نظریه ارتدوکس نئوکلاسیک در دهه ۱۹۸۰ و فروپاشی بلوک شرق در همان دهه باعث شد افرادی مانند فوکویاما نظام اقتصادی بازار آزاد را تنها پارادایم اقتصادی کارساز بدانند و دخالت دولت در اقتصاد با تردید جدیدی مواجه و زمینه های کارآمدی خصوصی سازی مورد توجه قرار گرفت.

- طبق پارادایم اقتصادی ارتدوکس وظایف دولت باید محدود به تامین امنیت عمومی ، حفظ تمامیت ارضی کشور و سرمایه گذاری در اموری باشد که بخش خصوصی توانایی لازم را در آن ندارد .

*دولت های اجرا کننده نظریه اقتصادی ارتدوکس سه خط مشی مقررات زدایی، خصوصی سازی و آزادسازی تجاری را در پیش گرفتند:

الف - مقررات زدایی : رهاسازی قیمت کالاها و ارز مورد تاکید و تلاش در جهت ساخت بازار برای همه فعالیت ها باعث گردید بازارسازی نامیده شود.

ب- خصوصی سازی: واگذاری بنگاه های دولتی به بخش خصوصی صورت گرفت.

ج- آزادسازی تجاری : دروازه های اقتصادی کشورها به روی کالاهای خارجی گشوده شد.

*آثار تعدیل ساختاری

- کارآمدی تعدیل ساختاری پس از گذشت یک دهه در کشورهای انگلیس و آمریکا و برخی کشورهای توسعه یافته مثبت بود و در برخی کشورهای دیگر منفی بود.

ادعای کارآمد بودن آن در کشورهای شرق آسیا به دلیل بروز بحران اقتصادی شرق آسیا زیر سوال رفته و تضعیف شد.

- برخی صاحب نظران علت عدم موفقیت برخی کشورها در برابر بحران را آزادسازی شتاب زده بازار سرمایه و عدم تثبیت نرخ ارز اعلام کردند.

- مطالعات نشان می دهد برای افزایش بهره وری و پیشرفت صنعتی ، دانش افزایی و حمایت اولیه نیاز است ، که این امر ضرورت حضور دولت و همکاری دولت با بخش خصوصی را می طلبد.

*عملیاتی شدن خصوصی سازی

-در واقع خصوصی سازی از سه طریق صورت می گیرد:

• از طریق خط مشی های اجرایی (مانند واگذاری و آزادسازی قیمت)

الف

• از طریق خط مشی های سازمانی (مانند ایجاد رقابت و گسترش آن ، قرارداد اجاره با بخش خصوصی)

ب

• از طریق تدبیر مالکیتی (مانند فروش مدیریت و خدمات کارکنان و انجام سرمایه گذاری های مشترک)

ج

• اهداف خصوصی سازی عبارتند از:

- گسترش بازارهای سرمایه و کاهش دیوان سالاری دولت در فعالیت اقتصادی و جذب درآمد به نفع خزانه دولت

- کاهش هزینه موسسات و سازمان های بخش عمومی و افزایش کارایی نهادها و واحدهای اقتصادی

***تعدیل اقتصادی و تجربه کاری برخی کشورها:**

تعدیل اقتصادی و خصوصی سازی پس از دهه ۱۹۸۰ در اقتصاد جهان به یک واقعیت تبدیل شد. دقت در مبانی نظری و استفاده از نتایج کارکرد برخی کشورها میتواند در استفاده بهتر از آثار سیاست تعدیل و خصوصی سازی مساعدت قابل توجهی به عمل آورد.

***پیشتازی آمریکا و انگلستان :**

در ادبیات تعدیل و خصوصی سازی ، انگلستان و سپس آمریکا پیشرو به حساب می آید . مثال در انگلستان بسیاری از هتل های در تملک دولت، بخشی از سهام هواپیما و برخی از خطوط مخابراتی انگلستان به بخش خصوصی واگذار شد . هدف دولت ایجاد رقابت بین برخی از بنگاه ها برای استفاده بهتر از سرمایه بخش دولتی و آزمونی برای کوچک کردن بخش دولتی بود. دولت این موضوع را دنبال میکرد که تنها در صورت موفقیت سرمایه خصوصی شده ، برخی دیگر از سهام شرکت های دولت را واگذار کند در غیر این صورت حتی قسمت های ناموفق (واگذار شده قبلی) نیز به بخش عمومی باز گردد. پس از انگلستان آمریکا شروع به خصوصی سازی قدم ب قدم کرد. فرایند آزمون و خطا و روند تدریجی خصوصی در این کشور مشهور

****خصوصی سازی در فرانسه :**

در فرانسه با به قدرت رسیدن ژان شیراک زمینه خصوصی سازی فراهم شد . با روی کار آمدن ژان شیراک بلافاصله اعلام شد که برخی از صنایع و شرکت های تحت تملک دولت به بخش خصوصی واگذار شود . منفعت حاصل از این واگذاری حدود هفت میلیارد فرانک بود که بخشی برای یازپرداخت وام ها و مابقی برای سرمایه گذاری در دیگر موسسات بخش عمومی استفاده شد.

*تجربه آلمان:

آلمان از سال ۱۹۸۸ بخشی از صنایع خود را به بخش خصوصی واگذار کرد. نظارت و کنترل و مطالعه مقدماتی برای واگذاری بنگاه های دولتی به بخش خصوصی در آلمان نسبت به انگلستان و فرانسه بیشتر گزارش شده است. شیوه قابل توجه در آلمان این بود که به جای آنکه شرکت ها و صنایع را بر اساس مزایده پولی به فروش برسانند، بر میناس مزایده طرح و برنامه واگذار می کردند.

تجربه دیگر کشورهای پیشرفته: ایتالیا، یونان، اسپانیا و ترکیه بخشی از موسسات و صنایع بخش دولتی را به بخش خصوصی واگذار کردند.

*تجربه کشورهای در حال توسعه:

آرژانتین، برزیل و اقداماتی را آغاز کردند. در برخی از این کشورها که حجم وسیعی از واگذاری صورت گرفت و موفقیت قابل توجهی حاصل نگردید. زمانی که بازار سرمایه در یک کشور ضعیف و یا دولت فاقد انضباط کفایت خصوصی سازی در حجم گسترده غیر معقول است.

*تجربه چین، شرق آسیا و کشورهای مشابه:

تحول کشورهای سوسیالیستی نیز باعث روی آوری آنها ب خصوصی سازی گردید. در شرق آسیا خصوصی سازی در ابتدا موفقیت آمیز و در میانه راه با دشواری هایی رو به رو شد. دولت پاکستان واحد اقتصادی و دولت بنگلادش واحد صنعتی بخش دولتی را به بخش خصوصی واگذار کردند و موفقیت چندانی نداشتند و دولت هند با تاخیر قابل توجهی به خصوصی سازی اقدام کرد که این احتیاط آمیز بودن در امر خصوصی سازی منجر به عامل موفقیت شد.

*جمع بندی و پیامد خصوصی سازی : در این پارادایم دولت ها با توجه به شرایط خاص کشور خود و تجربه کشور های دیگر به طراحی ترکیبی بهینه از دولت و بازار اقدام کردند . این رویکرد نه تنها تمامیت خواه سوسیالیستی را تایید می کند و نه دولت سرمایه داری محض را برمی تابد ، بلکه یک ترکیب بهینه از دولت و بازار را توصیه می کند که همزیستی مسالمت آمیزی دارند.

درس ها و تجربه های بیشتر از تعدیل و خصوصی سازی:

الف) جذبه . شرایط موفقیت و شیوه های تعدیل اقتصادی

اهمیت تعدیل اقتصادی: تئوریهای تعدیل اقتصادی و خصوصی سازی جذبه قابل توجهی برای مدیران ارشد و سیاست مداران که به کارآمدی اقتصادی حساس هستند را در بردارد . زیرا در مورد هدف و ضرورت تعدیل و خصوصی سازی گفته میشود . ۱) رقابت گسترش و کارآیی مدیریت و عملیات بنگاه اقتصادی بهبود میابد . ۲) نقش دولت و هزینه های مربوط کاهش و انرژی های آزاد شده به دیگر فعالیتهای اختصاص میابد . ۳) کاهش هزینه های یارانه ای که باعث کاهش کسری بودجه دولتی خواهد شد ۴) بازارهای داخلی رونق بیشتری پیدا میکنند و زمینه دستیابی به سرمایه ، منابع مالی و تکنولوژی خارجی برای کشور فراهم میگردد.

*شرایط موفقیت تعدیل:

۱) وجود دولتی منضبط و کارآمد و دیگر بسترهای مدیریت بهینه ست . ۲) چگونگی انجام خصوصی سازی و انتخاب روش مناسب

*شیوه های خصوصی سازی:

دو سناریوی کلی در خصوصی سازی واگذاری مالکیت و عدم واگذاری مالکیت می باشد. در واگذاری مالکیت چارچوب مختلفی قابل استفاده است به این صورت که ۱) سهام واحدهای دولتی به صورت عمومی عرضه که به طور معمول از طریق عرضه سهام در بازار بورس صورت میگیرد. ۲) گاهی سهام به شکل خاص و از طریق مزایده به افراد عرضه میشود. که روش اول الویت را به عدالت میدهد و روش دوم به کارآیی ۳) فروش سهام جدید برای جذب نقدینگی و واگذاری بخشی از سرمایه واحد دولتی ۴) فروش بخش های از دارایی واحد دولتی ۵) کوچک سازی واحد های بزرگتر

در واگذاری مدیریت) بدون واگذاری مالکیت (دولت واحد مورد نظر را در تملک خود نگهداری میکند ولی اداره و خدمات دهی آنرا به بخش خصوصی واگذار میکند که شیوه دیگر این واگذاری اجاره واحد مربوط به بخش خصوصی است.

ب) مراحل و قواعد خصوصی سازی

*قواعد بازی واگذاری

۱) مطالعه دقیق و کارشناسانه برای انتخاب واحدهای قابل واگذاری که با نوعی اولویت بندی دقیق صورت میگیرد.

۲) گزینش شیوه مناسب واگذاری با توجه به شرایط کلی اقتصاد کشور ۳) طراحی معیار گزینش متقاضیان واحدهای دولتی است.

۴) تداوم مطالعه و بررسی عملکرد واحد واگذاری شده و مقایسه کار آمدی آن با وضع سابق

۵) منفعت و مصلحت اقتصاد ملی و توجه به رفاه ملی عمومی به عنوان هدف حاکم این امور را میتوان قواعد اولیه بازی واگذاری دانست ، کشور و دولت هایی که این قواعد را به نحوی مراعات کردند منفعت قابل توجهی بدست آوردند مثل آمریکا ، آلمان و فرانسه

****خصوصی سازی در ایران**

****روند آغازین در مقایسه با دیگر کشورها:**

۱) (خصوصی سازی در ایران در سال ۱۹۹۱ که در عمل هدف کسب درآمد بود ۲) اقدام کشورهای آلمان و فرانسه گسترش فعالیت ها و خدمات تأمین اجتماعی جهت پوشش دشواری های پس از واگذاری می باشد که این اقدام در ایران به میزان کافی صورت نگرفت . ۳) (خصوصی سازی در شیلی با اصلاح قوانین مالیات ، در مکزیك با ایجاد فضای امن و حفاظت از حقوق مالکیت ، در هندوستان انضباط مالی دولت و دیگر شرایط تعدیل فراهم بود که در ایران چنین شرایزی برای اقدام به خصوصی سازی وجود نداشت.

****برخی دشواری های خصوصی سازی در ایران:**

۱) (عدم شفافیت کافی در گزارشات مدیران ۲) (برخلاف قواعد صریح خصوصی سازی که مالکیت یا مدیریت باید در اختیار افراد خاص قرار گیرد ، به جای عرضه سهام شرکت ها در بازار رقابتی ، افراد خاصی صاحبان جدید شرکتها می شدند . ۳) (اصل تصمیم به تعدیل اقتصادی از سوی مدیران قابل تقدیر است اما این اولین تجربه از نبود انسجام ، عدم شفافیت و دشواری های مدیریتی رنج میبرد.

تداوم تعدیل در دوره اصلاحات : ۱) شفاف سازی نسبی ۲) سهام شرکت های قابل واگذاری بخش دولتی در شرکت هایی که ادامه فعالیت های آنها در بخش دولتی غیر ضروری است در شرایط مساوی به بخش های تعاونی و خصوصی فروخته خواهد شد ۳) نبود هماهنگی سازمان های مختلف با برنامه خصوصی سازی دولت ۴) نبود نظارت کافی و تداوم بی توجهی به مفاد کارشناسی

*برخی روند های خصوصی سازی در ایران

روند آغازین و تبصره ۴۱: دولت وقت از مهر ۱۳۶۸ زمینه های اجرای سیاست تعدیل را فراهم کرد در تبصره ۴۱ قانون برنامه دوم آمده است که به منظور جلب مشارکت بیشتر بخش های خصوصی و تعاونی در امور عمومی ، تولید ، اشتغال ، تجارت و بهره برداری از تاسیسات زیر بنایی و عمومی ، دولت موظف است با رعایت اصل ۴۴ قانون اساسی و مصلحت عمومی فعالیت های یاد شده بخش دولتی را به بخش های خصوصی و تعاونی واگذار کند و برای فعال شدن این بخش ها تدابیر و اقداماتی از جمله اصلاح مقررات ، توسعه و تسهیل ارتباطات و همچنین ترویج شکل ها و ساختار های صنعتی ، تحقیقاتی و پیمانکاری اتخاذ نماید

*خصوصی سازی پس از برنامه چهارم توسعه:

این برنامه با محوریت تکمیل تعدیل و خصوصی سازی تحول دولت بعدی مدیریت گردید . دولت جدید غیر شفافترین رهاورد در موضوع خصوصی سازی و دیگر مفاد برنامه چهارم را دارا بود . جمع بندی زیر در این رابطه گویاست : ۱) دولت چون منتخب اصول گرایان بود با دیگر بدنه ها های حاکمیت سازگار بود و برخلاف دولت اصلاحات مانع در پیشبرد امور نداشت .

۲) اصلاحات اصل ۴۴ قانون اساسی در این دولت به تصویب رسید که می توانست بیشترین بستر خصوصی سازی را فراهم سازد . ۳) شرایط جهانی و تجربه دولت قبلی برای پیشبرد دولت جدید فراهم بود که انتظار

می رفت برنامه خصوصی سازی تکمیل گردد اما برعکس بیشترین نابسامانی در این رابطه فراهم گردید . زیرا الف) برخلاف قواعد برنامه تعدیل اقتصادی که دولت کوچک را توصیه مبرکرد دولت اصول گرا بزرگترین اندازه را به خود گرفت . ب) اصول خصوصی سازی شفافیت مالکیت جنبه محوری دارد ، اما غیر شفاف ترین مالکیت بین بخش خصوصی و دولتی رقم خورد . ج) یکی از رهاوردهای تعدیل اقتصادی واقعی شدن قیمتهاست و یا حذف و یا کاهش اقصاء زیر زمینی است . اما در مدیریت مورد نظر بیشترین حجم اقتصاد زیر زمینی تولید گردید . د) بیشترین عدم شفافیت در مالکیت ها و مدیریت ها . پنجم (اصلاح یارانه ها در دولت یاد شده

*دورنمای تعدیل و خصوصی سازی در مدیریت ۹۲-۹۶ :

۱) بررسی عاملان و نقادانه دولت جدید ۲) اصلاح یارانه ها ۳) شفاف شدن مالکیت و خارج ساختن گروه های فشار اقتصادی از دولتی ها و نهاد های حکومتی ۴) تعامل منطقی با دنیای مدرن ۵) اعتماد مردم به دولت جدید

نکات قابل ملاحظه در کار آمدی خصوصی سازی : ۱) واگذاری واحد های دولتی به بخش خصوصی و نظارت دولت به نحوه کارکرد این واحد ها ۲) وجود مدیریتی کار آمد و منضبط ۳) حمایت از اقشار کم در آمد ۴) حرکت تدریجی در خصوصی سازی ۵) واگذاری واحدهایی که منفعت روشنی برای قشر های اصلی مردم داشته باشند ۶) توجیه مردمی ، همراهی رسانه های همگانی برای اجرای برنامه واگذاری ضروری است ۷) سازگاری کافی با ساختار عمومی اقتصاد ، امور فرا اقتصادی حاکم بر جامعه ، دغدغه های محیط زیستی و ملاحظات رفاهی جامعه

*عدم تمرکز ، توسعه پایدار و تحول دولت رفاه

تمرکز و عدم تمرکز : در دولت متمرکز ، تصمیم های اقتصادی توسط واحد های مرکزی و محدودی گرفته می شود اما در نظام غیر متمرکز ، واحد های دولتی کوچکتری که به نمایندگی از مردم منطقه خود تصمیم گیری میکنند

*بازگشت به دولت بهینه :

پذیرش عدم تمرکز در دولت جدید زیرا تمرکز در دولت هزینه بیشتری بر جامعه تحمیل میکند ، علاوه بر هزینه ، مشکل آزادی ، توزیع قدرت و ثروت در دولت متمرکز مطرح است .

*تقسیم کار عقلانی بین دولت متمرکز و محلی :

امور تثبیت و توزیع ، که جنبه ملی دارند در دولت مرکزی حل و فصل میشود ، در دولت محلی سطوحی از کالاهای عمومی را ارائه میدهند که با ترجیحات فردی هماهنگ است.

محیط زیست و توسعه پایدار:

الف) محیط زیست موضوع بخش عمومی و خصوصی :

محیط زیست چون میتواند بار هزینه ای برای دولت داشته باشد و با رفاه عمومی همراه است در بخش عمومی میگنجد ، از طرف دیگر چون از شاخص های پیشرفت اقتصادی است در چهارچوب اقتصاد توسعه قرار میگیرد.

ب) محیط زیست در قوانین اساسی و عادی:

حفاظت از محیط زیست وظیفه بخش عمومی است، از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر از آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران ظان ملازمه پیدا مند، ممنون است. ج (فراکشوری بودن محیط زیست: با توجه به تخریب لایه اوزون و آلودگی ناشی از فعالیت های مراکز تولید کننده سلاح های مخرب وارد مرحله پیچیده تری گردید و نیازمند برنامه ریزی جهانی شد.

*دولت رفاه و جهانی شدن اقتصاد:

منظور از دولت رفاه نوعی از سازمان رفاهی که دولت نقش محوری در هدایت آن دارند که در قالب نوعی سرمایه داری متفاوت هستند.

*رویکردهای مختلف از دولت رفاه:

راست گرایان باور دارند که وجود رفاه با آزادی در تعارض است، چپ گرایان برای رسیدن به رفاه و برابری وجود رفاه را ضروری میدانند.

*جدال کینز و کلاسیک ها در دولت رفاه:

کینز در حالی که میپذیرد نظام بازار در بلند مدت به تعادل میرسد، تصریح میکند که در دوران رسیدن به تعادل بلند مدت پیامد اجتماعی ناگواری رخ میدهد که برای حل و فصل آنها، مراقبت دولت ضروری است. دیدگاه دولت رفاه کینز تا زمان حاکمیت کلاسیک جدید، مورد توجه و عمل بود و پس از آن وجود مستقل دولت رفاه با تردید مواجه گردید.

دولت الکترونیک : میتوان در یک مفاد کلی ، کاربرد فناوری اطلاعات از سوی دولت جهت رهایی از هزینه های نوشتاری و دسترسی سریع شهروندان به خدمات بخش عمومی تعریف کرد .

***مشتریان اصلی دولت الکترونیک و گسترده آن:**

چهار نوع مشتری اصلی برای دولت الکترونیک میتوان در نظر گرفت ۱) شهروندان ۲) اهل کسب و کار ۳) مستخدمان بخش دولتی ۴) نمایندگی بخش عمومی

اهداف کلی دولت الکترونیک : ۱) خلق محیط کسب و کار بهتر ۲) خارج ساختن مردم از صف های سنتی و فیزیکی و کشاندن ا

آنها به صف های نرم افزاری و مجازی ۳) دولت خوب ۴) بهبود بهره وری ۵) خدمت استاندارد

***دشواریهای دولت الکترونیک:**

۱) هزینه ۲) عدم امکان دسترسی همگانی به استفاده از خدمات وجود ندارد ۳) امکان حفظ اسرار بخش های عمومی و خصوصی

رعایت مراحل اجرایی برای نتیجه بهتر ک مرحله اول ، ایجاد زمینه ذهنی و فضا سازی عمومی برای آن مرحله دوم ، توجه به زمینه های مطالعاتی